



Paper Type: Original Article



The Effect of Political Connections and CEO Power on Banks' Ownership Structure: Examining the Interaction Effect of Credit Risk

Leila Zamanianfar^{1,*}, Javad Ojaghi², Yekta Pakniyat³

¹Department of Accounting, Energy Institute of Higher Education, Saveh, Iran; l.zamanianfar@yahoo.com.

²Department of Accounting, Adiban Institute of Higher Education, Garmsar, Iran; ojaghijavad@gmail.com.

³Department of Finance and Banking, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran; yektapakniyyat@gmail.com.

Citation:



Zamanianfar, L., Ojaghi, J., & Pakniyat, Y. (2026). The effect of political connections and CEO power on banks' ownership structure: Examining the interaction effect of credit risk. *Financial and Banking Strategic Studies*, 4(2), 186-209.

Received: 07/08/2026

Reviewed: 25/09/2026

Revised: 04/11/2026

Accepted: 23/12/2026

Abstract

Purpose: Banks' ownership structure is not merely a reflection of shareholding composition and may be associated with managerial power, political connections, and credit-risk conditions. This study examines the relationships of Chief Executive Officer (CEO) political connections and CEO structural power with banks' ownership structure and evaluates the interaction of credit risk with these relationships.

Methodology: The study uses 119 bank-year observations from 14 banks listed on the Tehran Stock Exchange over the 2016–2025 period (corresponding to 1395–1403). Credit risk is measured using the ratio of non-performing loans to equity and the ratio of loan loss provisions to net interest revenue. The primary specifications are estimated using multivariate panel-data regression and Panel Generalized Least Squares. To assess the robustness of the interaction findings to model specification, hierarchical specifications that simultaneously include the constituent main effects are also considered.

Findings: CEO political connections and CEO structural power are positively and significantly associated with the ownership-structure indicator examined in this study. The interaction terms between the two credit-risk measures and these managerial characteristics are positive and statistically significant in the initial restricted specifications; however, their significance does not persist once the constituent main effects are entered simultaneously. The evidence therefore does not provide robust support for a stable moderating role of credit risk, and the interaction findings should be interpreted as specification-sensitive.

Originality/Value: By jointly examining political connections, CEO structural power, the ownership-structure dimension considered in this study, and credit risk, this research provides an integrated framework for analysing the links between governance mechanisms and banks' risk conditions. The findings highlight the importance of considering managerial characteristics and credit-risk conditions together when interpreting ownership structure, while also showing that conclusions regarding credit-risk moderation require caution.

Keywords: Bank, Chief executive officer structural power, Credit risk, Ownership structure, Political connections.



Corresponding Author: l.zamanianfar@yahoo.com



10.22105/fbs.2026.601254.1210



Licensee: **Financial and Banking Strategic Studies**. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).

تأثیر ارتباطات سیاسی و قدرت مدیرعامل بر ساختار مالکیت بانک‌ها: بررسی اثر تعاملی ریسک اعتباری

لیلا زمانیان فر^۱، جواد اوجاقی^۲، یکتا پاک‌نیت^۳

^۱گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی انرژی، ساوه، ایران.

^۲گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی ادیبان، گرمسار، ایران.

^۳گروه امور مالی و بانکداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

هدف: ساختار مالکیت بانک‌ها صرفاً بازتاب ترکیب سهامداران نیست و می‌تواند با ویژگی‌های قدرت مدیریتی، ارتباطات سیاسی و شرایط ریسک اعتباری پیوند داشته باشد. پژوهش حاضر رابطه ارتباطات سیاسی و قدرت ساختاری مدیرعامل با ساختار مالکیت بانک‌ها را بررسی و نقش تعاملی ریسک اعتباری را در این روابط ارزیابی می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش: داده‌های پژوهش شامل ۱۱۹ مشاهده بانک-سال از ۱۴ بانک پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳ است. ریسک اعتباری با نسبت تسهیلات غیرجاری به حقوق صاحبان سهام و نسبت ذخیره زیان تسهیلات به درآمد خالص بهره سنجیده شد. برآوردهای اصلی با رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر داده‌های تابلویی و روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته تابلویی انجام شد. برای ارزیابی استحکام نتایج تعاملی نسبت به نحوه تصریح مدل، مشخصات سلسله‌مراتبی با ورود هم‌زمان اثرات اصلی اجزای تعامل نیز مبنای تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد ارتباطات سیاسی و قدرت ساختاری مدیرعامل با شاخص ساختار مالکیت مورد بررسی رابطه مثبت و معناداری دارند. آثار تعاملی دو سنج ریسک اعتباری با این دو ویژگی مدیریتی در برآوردهای اولیه مثبت و معنادار بود؛ با این حال، پس از ورود هم‌زمان اثرات اصلی، معناداری این تعامل‌ها حفظ نشد. بنابراین، شواهد مربوط به نقش تعدیل‌گری ریسک اعتباری نسبت به نحوه تصریح مدل حساس است و حمایت آماری پایداری از فرضیه‌های تعاملی به دست نمی‌دهد.

اصالت/ارزش افزوده علمی: پژوهش حاضر با بررسی هم‌زمان ارتباطات سیاسی، قدرت ساختاری مدیرعامل، بعد ساختار مالکیت مورد بررسی و ریسک اعتباری، چارچوبی منسجم برای تحلیل پیوند سازوکارهای حاکمیتی و شرایط ریسک در بانک‌ها ارائه می‌کند. یافته‌ها بر ضرورت تفسیر ساختار مالکیت در کنار ویژگی‌های مدیریتی و شرایط ریسک اعتباری تأکید دارند و در عین حال نشان می‌دهند نتیجه‌گیری درباره نقش تعدیل‌گری ریسک اعتباری باید با احتیاط انجام شود.

کلیدواژه‌ها: بانک، قدرت ساختاری مدیرعامل، ریسک اعتباری، ساختار مالکیت، ارتباطات سیاسی.

۱- مقدمه

مطالعات پیشین درباره آثار ارتباطات سیاسی، عمدتاً بر شرکت‌های غیرمالی متمرکز بوده‌اند و در مقایسه، موسسات مالی و بانک‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند [1-3]. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد ارتباطات سیاسی می‌تواند آثار متفاوتی برای شرکت به همراه داشته باشد. از یک‌سو، این ارتباطات ممکن است دسترسی شرکت به منابع مالی، اعتبارات بانکی و حمایت‌های دولتی را تسهیل کند و از این طریق محدودیت‌های تأمین مالی

را کاهش دهد [4-6]. از سوی دیگر، ارتباطات سیاسی ممکن است استقلال سازوکارهای نظارتی را کاهش داده و زمینه انتصاب مدیران با شایستگی کمتر یا تخصیص منابع بر اساس ملاحظات غیراقتصادی را فراهم سازد [7-9]. از این منظر، ارتباطات سیاسی را می‌توان پدیده‌ای دوجویی دانست که آثار آن به محیط نهادی و سازوکارهای حاکمیتی شرکت بستگی دارد.

این دیدگاه با نظریه «دست رباینده» نیز سازگار است. بر اساس این نظریه، ممکن است شرکت‌های دولتی و عمومی برای تحقق برخی اهداف و منافع سیاسی مورد استفاده قرار گیرند و حضور مدیران وابسته به دولت، تصمیم‌های اقتصادی شرکت را از منافع اقتصادی سهامداران دور سازد [10]. [11]. با این حال، آثار ارتباطات سیاسی را نمی‌توان بدون توجه به نوع مالکیت، میزان استقلال مدیران و کیفیت سازوکارهای نظارتی بررسی کرد؛ زیرا همین عوامل تعیین می‌کنند که منافع حاصل از ارتباطات سیاسی بر هزینه‌های آن غلبه کند یا برعکس.

در صنعت بانکداری، این موضوع اهمیت بیشتری دارد. بانک‌ها علاوه بر سهامداران، با منافع سپرده‌گذاران، اعتباردهندگان و نهادهای ناظر نیز درگیرند و تصمیم‌های مدیریتی آن‌ها می‌تواند بر نحوه تخصیص اعتبار و سطح ریسک اثر بگذارد. مطالعات نیس و همکاران [12] و هانگ و همکاران [13] از جمله پژوهش‌هایی هستند که به نقش ارتباطات سیاسی در بانک‌ها پرداخته‌اند. پژوهش‌های جدیدتر نیز نشان می‌دهند این مسئله همچنان در ادبیات بانکی مورد توجه است. به‌عنوان نمونه، گوش [14] نشان می‌دهد ارتباطات سیاسی می‌تواند بر رفتار اعتباری بانک‌ها اثرگذار باشد. چگلوفسکی و همکاران [15] نیز با استفاده از شواهد بین‌المللی نشان می‌دهند آثار ارتباطات سیاسی بر رفتار وام‌دهی بانک‌ها در محیط‌های نهادی مختلف یکسان نیست. بنابراین، بررسی ارتباطات سیاسی در بانک‌ها بدون توجه به ساختار مالکیت و کیفیت حاکمیت شرکتی، تصویر کاملی از آثار آن ارایه نمی‌کند.

در چارچوب نظریه نمایندگی، ماهیت سهامداران و تفاوت در ترجیحات آن‌ها می‌تواند بر انگیزه‌های نظارتی و میزان ریسک‌پذیری شرکت اثرگذار باشد [16]. برای مثال، دولتی یا خصوصی بودن مالکیت می‌تواند شدت تأثیر ارتباطات سیاسی بر تصمیم‌های اعتباری بانک را تغییر دهد؛ زیرا مدیران بانک‌های تحت کنترل دولت ممکن است در مقایسه با بانک‌های خصوصی بیشتر در معرض اهداف اجتماعی یا سیاستی دولت قرار گیرند [13]، [17]. از طرف دیگر، ماهیت و ترکیب هیات‌مدیره نیز بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری، تخصیص منابع و ریسک‌پذیری شرکت اثر دارد. دیهاروادکار و همکاران [18] بر این نکته تأکید دارند که در برخی محیط‌های نهادی، مدیران ممکن است استقلال لازم را برای ایفای نقش نظارتی نداشته باشند؛ مسئله‌ای که در حضور ارتباطات سیاسی می‌تواند اهمیت بیشتری پیدا کند.

ارتباطات سیاسی در صورت تضعیف نظارت می‌تواند مشکلات نمایندگی را افزایش دهد. نظریه نمایندگی برای کاهش این تضادها بر مجموعه‌ای از سازوکارهای حاکمیت شرکتی تأکید می‌کند که از طریق نظارت بر تصمیم‌های مدیران و نحوه تخصیص منابع، رفتار فرصت‌طلبانه و ریسک‌پذیری نامطلوب را محدود می‌سازند [16]، [19]، [20]. این موضوع در بانک‌ها اهمیت بیشتری دارد، زیرا پیامد ضعف حاکمیت شرکتی تنها به سهامداران محدود نمی‌شود و می‌تواند سایر ذی‌نفعان و حتی ثبات نظام مالی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. شواهد داخلی [21] نیز بر اهمیت سازوکارهای مناسب حاکمیت شرکتی در بهبود عملکرد و تقویت نظارت در بانک‌ها تأکید کرده‌اند.

در کنار ارتباطات سیاسی، قدرت مدیرعامل نیز می‌تواند بر تصمیم‌های شرکت اثر بگذارد [22]. جدایی مالکیت از مدیریت به مدیران اختیار قابل‌توجهی در تخصیص منابع و انتخاب سطح ریسک می‌دهد. فینکلشتاین [23] قدرت مدیریت را توانایی مدیر برای اعمال اراده خود در تصمیم‌های سازمانی تعریف می‌کند و منابع این قدرت را در ابعاد مختلفی از جمله قدرت ساختاری، مالکیتی، تخصصی و پرستیژ طبقه‌بندی می‌کند. مطالعات بعدی نیز نشان داده‌اند که قدرت مدیر ممکن است از موقعیت سازمانی، مالکیت، تخصص و اعتبار فردی او ناشی شود [24]، [25].

قدرت مدیرعامل در بانک‌ها اهمیت خاصی دارد؛ زیرا بخش مهمی از تصمیم‌های مربوط به تخصیص منابع و پذیرش ریسک تحت تأثیر مدیریت ارشد قرار دارد. با این حال، آثار قدرت مدیرعامل در همه بانک‌ها یکسان نیست. کشفی‌پور و همکاران [26] با بررسی بانک‌های چندین کشور نشان دادند رابطه قدرت مدیرعامل و ریسک‌پذیری بانک به ویژگی‌های محیطی و نهادی نیز وابسته است. به همین دلیل، قدرت مدیرعامل را نمی‌توان مستقل از ساختار مالکیت و سایر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بررسی کرد.

ساختار مالکیت نیز یکی از عوامل مهم حاکمیت شرکتی است و می‌تواند نحوه توزیع قدرت و نظارت بر مدیران را تغییر دهد. میزان تمرکز مالکیت، هویت سهامداران عمده و مشارکت مدیران در مالکیت، انگیزه سهامداران برای نظارت و همچنین قدرت مدیرعامل در تصمیم‌گیری را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. در بانک‌ها نیز ویژگی‌های مالکان کنترل‌کننده می‌تواند با میزان ریسک‌پذیری ارتباط داشته باشد. بلاردینی و همکاران [27] نشان می‌دهند ویژگی‌های سهامداران کنترل‌کننده با عملکرد و ریسک بانک مرتبط است. فام و همکاران [28] نیز شواهدی ارائه می‌کنند که رابطه ساختار مالکیت و ریسک اعتباری به سازوکارهای کنترل و قدرت در بانک وابسته است. این یافته‌ها نشان می‌دهد مالکیت، قدرت و ریسک را نمی‌توان کاملاً جدا از یکدیگر تحلیل کرد.

در نظام بانکی ایران نیز حضور سهامداران عمده، دولت و نهادهای عمومی در ساختار مالکیت برخی بانک‌ها باعث شده است رابطه میان مالکیت و کنترل پیچیده‌تر باشد. در چنین شرایطی، بررسی اینکه ارتباطات سیاسی و قدرت مدیرعامل چه رابطه‌ای با ساختار مالکیت دارند، می‌تواند به شناخت بهتر نحوه توزیع قدرت و کنترل در بانک کمک کند. به عبارت دیگر، ساختار مالکیت را می‌توان در پیوند با مجموعه‌ای از روابط مدیریتی، سیاسی و حاکمیتی مورد بررسی قرار داد.

از سوی دیگر، ریسک بانکی به دلیل نقش بانک‌ها در تجهیز و تخصیص منابع، از موضوعات مهم مورد توجه نهادهای ناظر است. افزایش بیش‌ازحد ریسک‌پذیری می‌تواند کیفیت دارایی‌های بانک را کاهش داده و در موارد شدید، ثبات نظام مالی را تحت‌تاثیر قرار دهد [31-29]. اهمیت این موضوع در بانک‌ها بیشتر از بسیاری از شرکت‌های غیرمالی است، زیرا آثار تصمیم‌های مدیران بانک تنها متوجه سهامداران نیست و منافع سپرده‌گذاران، اعتباردهندگان و نهادهای نظارتی را نیز دربرمی‌گیرد [32]، [33].

در این میان، ریسک اعتباری از مهم‌ترین ریسک‌های بانک محسوب می‌شود. افزایش مطالبات غیرجاری و کاهش کیفیت دارایی‌های اعتباری می‌تواند عملکرد مالی بانک را تضعیف کرده و فشارهای نظارتی و مالی بیشتری بر مدیران وارد کند. در چنین شرایطی، ممکن است نحوه اعمال قدرت مدیرعامل و صاحبان کنترل نیز تغییر کند. شواهد اخیر درباره ساختار مالکیت و ریسک اعتباری نشان می‌دهد این رابطه به ویژگی مالکان و سازوکارهای کنترل وابسته است [27]، [28]. از این‌رو، بررسی اثر تعاملی ریسک اعتباری با ارتباطات سیاسی و قدرت مدیرعامل می‌تواند شناخت دقیق‌تری از عوامل مرتبط با ساختار مالکیت بانک فراهم کند.

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد ارتباطات سیاسی، قدرت مدیرعامل، ساختار مالکیت و ریسک بانکی غالباً به‌صورت جداگانه یا در قالب روابط دو متغیره بررسی شده‌اند. برخی پژوهش‌ها اثر ارتباطات سیاسی بر عملکرد و ریسک بانک را مطالعه کرده‌اند، گروهی دیگر رابطه قدرت مدیرعامل و ریسک‌پذیری را آزموده‌اند و دسته‌ای نیز به رابطه ساختار مالکیت و ریسک اعتباری پرداخته‌اند. با این حال، شواهد درباره این‌که ارتباطات سیاسی و قدرت مدیرعامل چه رابطه‌ای با ساختار مالکیت بانک دارند و اثر تعاملی ریسک اعتباری در این روابط چگونه است، به‌ویژه در نظام بانکی اقتصادهای نوظهور، محدود است.

این موضوع در ایران اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا حضور دولت و نهادهای عمومی در بخشی از ساختار مالکیت و مدیریت بانک‌ها، تمرکز مالکیت و اهمیت ریسک اعتباری می‌تواند رابطه میان قدرت، مالکیت و کنترل را پیچیده‌تر کند. مطالعات داخلی نیز شواهدی از پیامدهای ارتباطات سیاسی در بانک‌ها ارائه کرده‌اند. به عنوان نمونه، مازندرانی و سعیدی [34] رابطه منفی ارتباطات سیاسی با بازده دارایی‌ها و رابطه مثبت آن با ریسک عدم وصول مطالبات را گزارش کرده‌اند. ذوالفقاری و همکاران [35] نیز نشان دادند در شرایط بحران مالی، ارتباطات سیاسی می‌تواند برخی شاخص‌های عملکرد بانک‌ها را تحت‌تاثیر قرار دهد. این شواهد ضرورت بررسی دقیق‌تر روابط سیاسی و مدیریتی در محیط بانکی ایران را تقویت می‌کند.

بر این اساس، پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه نمایندگی، رابطه ارتباطات سیاسی و قدرت مدیرعامل با ساختار مالکیت بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کرده و اثر تعاملی ریسک اعتباری را در ارتباط با این روابط مورد آزمون قرار می‌دهد. تمایز پژوهش حاضر در بررسی هم‌زمان ارتباطات سیاسی، قدرت مدیرعامل و ساختار مالکیت در شرایط متفاوت ریسک اعتباری است. نتایج این پژوهش می‌تواند علاوه بر توسعه ادبیات حاکمیت شرکتی و ریسک بانکی، برای نهادهای ناظر، سهامداران و مدیران بانک‌ها در شناخت بهتر روابط میان قدرت، مالکیت و ریسک اعتباری نیز مفید باشد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- ارتباطات سیاسی

ارتباطات سیاسی به مجموعه روابط رسمی یا غیررسمی میان شرکت، مدیران، سهامداران و نهادهای سیاسی و دولتی گفته می‌شود که می‌تواند بر دسترسی شرکت به منابع، تصمیم‌های مالی و نحوه تعامل آن با محیط نهادی اثر بگذارد. این ارتباطات در پژوهش‌های مختلف با معیارهای متفاوتی سنجیده شده‌اند؛ از جمله مالکیت مستقیم یا غیرمستقیم دولت، حضور نهادهای وابسته به دولت در ساختار مالکیت و سابقه یا موقعیت سیاسی مدیران و سهامداران عمده [36]. در نتیجه، ارتباط سیاسی را نمی‌توان صرفاً به دولتی بودن یک شرکت محدود کرد، بلکه ممکن است از طریق مالکیت، مدیریت یا روابط فردی مدیران با ساختار سیاسی شکل گیرد.

آثار این ارتباطات نیز یکسان نیست. ارتباط سیاسی می‌تواند دسترسی شرکت به منابع مالی، اعتبارات بانکی، حمایت‌های دولتی و اطلاعات را تسهیل کند؛ اما در مقابل، ممکن است زمینه دخالت در تصمیم‌های اقتصادی، کاهش کیفیت نظارت و تخصیص منابع بر مبنای ملاحظات غیراقتصادی را فراهم سازد. این دوگانگی در بانک‌ها اهمیت بیشتری دارد، زیرا بانک علاوه بر دریافت‌کننده منابع، خود یکی از مهم‌ترین تخصیص‌دهندگان اعتبار در اقتصاد است. بنابراین، ارتباط سیاسی مدیران بانک می‌تواند هم بر تصمیم‌های داخلی بانک و هم بر نحوه تخصیص منابع به اشخاص و بنگاه‌ها اثرگذار باشد.

بواتنگ و همکاران [37] با بررسی بانک‌های تجاری چین نشان دادند هیات‌مدیره‌های دارای ارتباط سیاسی بر ریسک اعتباری بانک اثر معناداری دارند و نوع مالکیت نیز می‌تواند این رابطه را تغییر دهد. یافته‌های آنان نشان داد بانک‌های دولتی در برابر آثار نامطلوب ارتباطات سیاسی بر ریسک اعتباری آسیب‌پذیرترند، درحالی‌که مدیران مستقل در بانک‌های خصوصی نقش نظارتی موثرتری دارند. این یافته از آن جهت برای پژوهش حاضر اهمیت دارد که ارتباط سیاسی را در پیوند با ساختار مالکیت و ریسک اعتباری بررسی می‌کند، نه به‌عنوان عاملی مستقل از سایر سازوکارهای حاکمیت شرکتی.

شواهد هانگ و همکاران [13] نیز نشان می‌دهد آثار ارتباط سیاسی در بانک‌ها لزوماً منفی نیست. آنان با استفاده از سابقه شغلی مدیرعامل برای شناسایی ارتباطات سیاسی دریافتند بانک‌های دارای مدیرعامل با سابقه دولتی، در نمونه مورد بررسی، بازده دارایی بالاتر و ریسک اعتباری و نکول پایین‌تری داشته‌اند. چنین نتیجه‌ای نشان می‌دهد اثر ارتباط سیاسی به کیفیت ارتباط، تجربه مدیر، نوع بانک و محیط نهادی وابسته است و نمی‌توان برای همه بانک‌ها یک نتیجه واحد در نظر گرفت.

پژوهش‌های جدیدتر همچنان بر همین تفاوت‌ها تاکید دارند. گوش [14] در بررسی بانک‌های دولتی هند نشان داد ارتباطات سیاسی در سال‌های انتخاباتی با گسترش اعتبارات همراه بوده و بخشی از این افزایش وام‌دهی تحت‌تاثیر ملاحظات انتخاباتی قرار داشته است؛ پیامدی که در ادامه با کاهش تدریجی کیفیت دارایی‌ها همراه شد. همچنین آویژن و همکاران [38] با بررسی بانک‌های خصوصی و خارجی در چین دریافتند ارتباط سیاسی مدیرعامل با افزایش ریسک‌پذیری بانک ارتباط دارد و ساختار مالکیت نیز این رابطه را تعدیل می‌کند.

در سطح بین‌المللی نیز چگلوفسکی و همکاران [15] نشان دادند اثر ارتباطات سیاسی بر رفتار وام‌دهی بانک‌ها به شرایط نهادی کشور وابسته است. نتایج آنان در بیش از ۱۰۰ کشور بیانگر آن است که ارتباطات سیاسی در محیط‌هایی که آزادی رسانه، حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی محدودتر است، اثر قوی‌تری بر گسترش وام‌دهی دارد. بنابراین، کیفیت نهادها و سازوکارهای نظارتی می‌تواند تعیین کند که ارتباطات سیاسی به یک منبع اقتصادی برای بانک تبدیل شود یا زمینه انحراف در تخصیص اعتبار را فراهم آورد.

در همین راستا، حاکمیت شرکتی می‌تواند نقش مهمی در کنترل پیامدهای چنین ارتباطاتی داشته باشد. شواهد داخلی [21] نیز در بررسی حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی، بر نقش سازوکارهای حاکمیتی مناسب در تقویت نظارت، بهبود عملکرد و کاهش زمینه‌های رفتار نامطلوب در بانک‌ها تاکید کرده‌اند. از این دیدگاه، وجود ارتباط سیاسی به‌تنهایی تعیین‌کننده پیامد آن نیست و میزان استقلال هیات‌مدیره، ساختار مالکیت و اثربخشی سازوکارهای نظارتی نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به ماهیت خاص فعالیت بانک‌ها، ارتباطات سیاسی می‌تواند از مسیر دسترسی به منابع، جهت‌گیری تصمیم‌های اعتباری و تغییر انگیزه‌های نظارتی با ساختار مالکیت و ریسک بانک پیوند پیدا کند. از این رو، بررسی ارتباطات سیاسی در پژوهش حاضر نه صرفاً به‌عنوان یک ویژگی فردی مدیر، بلکه به‌عنوان یکی از عوامل حاکمیتی موثر بر رفتار و ساختار بانک مورد توجه قرار می‌گیرد.

از منظر نظریه نمایندگی، ساختار مالکیت تنها بیانگر نحوه توزیع سهام نیست، بلکه بر توزیع حقوق کنترل، انگیزه‌های نظارتی و رابطه میان مالکان و مدیران نیز اثر می‌گذارد [16]. در مقابل، ارتباطات سیاسی مدیرعامل می‌تواند از طریق دسترسی به منابع، شبکه‌های دولتی و محیط نظارتی، موقعیت مدیر در ساختار حاکمیتی بانک را تحت‌تاثیر قرار دهد. شواهد تجربی نشان می‌دهد آثار ارتباطات سیاسی در بانک‌ها مستقل از ویژگی‌های مالکیت نیست. بواتنگ و همکاران [37] نشان دادند نوع مالکیت بانک رابطه میان ارتباطات سیاسی و ریسک اعتباری را تعدیل می‌کند و بانک‌های دولتی و خصوصی در برابر پیامدهای ارتباطات سیاسی رفتار یکسانی ندارند. هانگ و همکاران [13] نیز نشان دادند آثار ارتباط سیاسی مدیرعامل بر عملکرد و ریسک بانک به ویژگی‌های بانک و سابقه مدیریتی وی وابسته است. همچنین، ولا لاگ و همکاران [39] نشان دادند نوع مالکیت می‌تواند رابطه میان ارتباطات سیاسی و دسترسی به اعتبار را تغییر دهد.

شواهد جدیدتر نیز بر درهم‌تنیدگی ارتباطات سیاسی مدیرعامل و ویژگی‌های مالکیت تاکید دارند. جی و همکاران [40] نشان دادند رابطه میان ارتباطات سیاسی مدیرعامل و پیامدهای نظارتی بانک با ویژگی‌های مالکیت، از جمله تمرکز مالکیت و نوع مالکیت، متفاوت است. مجموعه این شواهد بیانگر آن است که ارتباطات سیاسی و ساختار مالکیت را نمی‌توان دو سازوکار کاملاً مستقل در حاکمیت بانک تلقی کرد. از یک سو، منافع و هزینه‌های ناشی از برخورداری مدیرعامل از ارتباطات سیاسی می‌تواند برای گروه‌های مختلف مالکان متفاوت باشد و از این طریق با انگیزه‌های مربوط به حفظ یا اعمال کنترل ارتباط پیدا کند؛ از سوی دیگر، نوع و تمرکز مالکیت نیز می‌تواند بر انتخاب و استمرار فعالیت مدیرعاملی با سابقه یا ارتباطات سیاسی اثرگذار باشد [37]، [39]، [40]. بنابراین، پژوهش حاضر به‌جای فرض یک رابطه علی یک‌طرفه، وجود رابطه میان ارتباطات سیاسی مدیرعامل و ساختار مالکیت بانک را مورد آزمون قرار می‌دهد.

۲-۲- قدرت مدیرعامل

قدرت مدیرعامل به میزان توانایی او در اثرگذاری بر تصمیم‌های راهبردی، تخصیص منابع و جهت‌گیری سازمان اشاره دارد. با جدایی مالکیت از مدیریت، مدیرعامل به دلیل برخورداری از اطلاعات داخلی و اختیار در تصمیم‌گیری، می‌تواند نقش قابل‌توجهی در سیاست‌های مالی، سرمایه‌گذاری و نحوه پذیرش ریسک داشته باشد. فینکلشتاین [23] منابع قدرت مدیرعامل را در چهار بعد ساختاری، مالکیتی، تخصصی و اعتباری طبقه‌بندی می‌کند. در این میان، قدرت ساختاری بیش از همه به جایگاه رسمی مدیر در سازمان و میزان تمرکز اختیار در سطح مدیریت ارشد مربوط است.

یکی از متداول‌ترین نشانه‌های قدرت ساختاری مدیرعامل، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و رییس هیات‌مدیره است. در این حالت، مدیرعامل علاوه بر اداره شرکت، نفوذ بیشتری بر فرایندهای تصمیم‌گیری و نظارتی هیات‌مدیره پیدا می‌کند. از دیدگاه نظریه نمایندگی، تمرکز این دو نقش می‌تواند استقلال هیات‌مدیره را کاهش داده و امکان نظارت موثر بر مدیریت را محدود کند. در مقابل، نظریه مباشرت بر این باور است که تمرکز اختیار در برخی شرایط می‌تواند هماهنگی و سرعت تصمیم‌گیری را افزایش دهد. بنابراین، قدرت مدیرعامل لزوماً پیامد یکسانی برای همه شرکت‌ها ندارد و آثار آن به نحوه استفاده از اختیار، کیفیت نظارت و سایر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بستگی دارد.

پژوهش‌های داخلی نیز نشان می‌دهد جایگاه و اختیارات مدیرعامل می‌تواند بر نحوه نظارت و تصمیم‌گیری در شرکت اثرگذار باشد. خوش‌طینت و همکاران [41] در بررسی رابطه شاخص‌های مالی و تغییر مدیرعامل در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند عملکرد مالی با احتمال تغییر مدیرعامل رابطه معکوس و معناداری دارد. در این پژوهش، عملکرد مالی تنها بخشی از تغییرات مدیرعامل را توضیح داد و بر نقش سایر عوامل، از جمله قدرت و سیاست‌های سازمانی، در ماندگاری یا تغییر مدیرعامل تاکید شد. این یافته از آن جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد موقعیت مدیرعامل صرفاً تابع عملکرد مالی نیست و عوامل حاکمیتی و توزیع قدرت نیز می‌توانند در آن نقش داشته باشند. همچنین در همان مطالعه تاکید شده است که مدیران عامل به دلیل برخورداری از اختیارات گسترده، قادرند تصمیم‌هایی اتخاذ کنند که با منافع بلندمدت شرکت و سهامداران همسو یا در تعارض باشد؛ از این رو، نحوه نظارت بر این اختیارات اهمیت ویژه‌ای دارد.

این موضوع در بانک‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا تصمیم‌های مدیریت ارشد مستقیماً با تخصیص منابع، اعطای اعتبار و میزان پذیرش ریسک ارتباط دارد. افزایش قدرت مدیرعامل ممکن است از یک سو انسجام و سرعت تصمیم‌گیری را بیشتر کند و از سوی دیگر، در صورت ضعف نظارت، امکان اعمال ترجیحات شخصی مدیر و پذیرش ریسک بیش از حد را افزایش دهد. شواهد داخلی [21] نیز در بررسی حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی بر اهمیت ساختارهای مناسب نظارتی و حاکمیتی در بهبود عملکرد بانک و کاهش زمینه‌های رفتار نامطلوب تاکید کرده‌اند. بنابراین، آثار قدرت مدیرعامل را باید در کنار هیات‌مدیره، ساختار مالکیت و سایر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بررسی کرد.

شواهد جدید بین‌المللی نیز نشان می‌دهد رابطه قدرت مدیرعامل و ریسک بانک ساده و یکسان نیست. کشفی‌پور و همکاران [26] با بررسی ۳۳۶ بانک بزرگ در ۴۸ کشور نشان دادند تاثیر قدرت مدیرعامل بر ریسک‌پذیری بانک تحت‌تاثیر ویژگی‌های فرهنگی و محیطی قرار دارد و جهت این رابطه در شرایط مختلف می‌تواند تغییر کند. به بیان دیگر، قدرت مدیرعامل به‌تنهایی تعیین‌کننده میزان ریسک‌پذیری نیست و محیط نهادی نیز در شکل‌گیری آثار آن نقش دارد.

شابر و همکاران [42] نیز با بررسی ۵۷۴ بانک در ۱۹ کشور، نقش قدرت مدیرعامل و قدرت هیات‌مدیره را در ارتباط میان عدم‌اطمینان اقتصادی و ژئوپلیتیکی و ریسک بانک مطالعه کردند. آن‌ها برای اندازه‌گیری قدرت مدیرعامل از شاخص‌هایی مانند دوگانگی مدیرعامل، دوره تصدی، مالکیت مدیرعامل و موسس بودن وی استفاده کردند و نشان دادند قدرت مدیرعامل و ویژگی‌های هیات‌مدیره می‌تواند نحوه واکنش بانک به شرایط عدم‌اطمینان را تغییر دهد. این یافته نیز بیانگر آن است که آثار قدرت مدیرعامل باید در بستر گسترده‌تر حاکمیت شرکتی و شرایط محیطی بانک بررسی شود.

در مطالعات داخلی نیز نتایج یکسانی گزارش نشده است. خواجه‌وی و همکاران [43] با بررسی رابطه قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه نشان دادند رابطه قدرت مدیرعامل با برخی ابعاد ساختار سرمایه خطی نیست و اندازه شرکت نیز می‌تواند شکل این رابطه را تغییر دهد. زینی و همکاران [44] نشان دادند میان قدرت مدیرعامل و ریسک‌پذیری شرکت رابطه معناداری وجود دارد و سهامداران عمده می‌توانند این رابطه را تعدیل کنند. در مقابل، گلپور [45] در بررسی بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای برخی سنجش‌های قدرت مدیرعامل و ریسک بانکی رابطه معناداری مشاهده نکرد. این تفاوت در نتایج نشان می‌دهد آثار قدرت مدیرعامل ممکن است به نوع سنجش قدرت، ویژگی‌های مالکیت و محیط فعالیت شرکت یا بانک وابسته باشد.

بر این اساس، پژوهش حاضر به‌جای سنجش همه ابعاد قدرت مدیرعامل، بر قدرت ساختاری تمرکز دارد. دوگانگی سمت مدیرعامل و رییس هیات‌مدیره از این منظر اهمیت دارد که تمرکز دو نقش اجرایی و نظارتی در یک فرد می‌تواند دامنه اختیار رسمی مدیرعامل را افزایش داده و استقلال نظارتی هیات‌مدیره را کاهش دهد [23]، [33]. هرچند مطالعات جدیدتر برای سنجش قدرت مدیرعامل از شاخص‌های چندبعدی‌تری مانند دوره تصدی، مالکیت مدیرعامل و موسس بودن نیز استفاده کرده‌اند [42]، انتخاب دوگانگی در پژوهش حاضر با هدف تمرکز بر یکی از روشن‌ترین نمادهای ساختاری تمرکز اختیار انجام شده است. بنابراین، قدرت مدیرعامل در این پژوهش باید به‌طور مشخص به‌عنوان شاخص قدرت ساختاری مدیرعامل تفسیر شود.

۳-۲- ساختار مالکیت

ساختار مالکیت یکی از سازوکارهای اصلی حاکمیت شرکتی است که نحوه توزیع مالکیت و کنترل میان گروه‌های مختلف سهامداران را نشان می‌دهد. اهمیت ساختار مالکیت تنها به میزان سهام در اختیار هر گروه محدود نمی‌شود، بلکه هویت مالکان، میزان تمرکز مالکیت و قدرتی که از طریق مالکیت برای اعمال کنترل بر تصمیم‌های شرکت ایجاد می‌شود نیز اهمیت دارد. از دیدگاه نظریه نمایندگی، تفاوت در ترکیب سهامداران می‌تواند انگیزه‌ها و توانایی آنان برای نظارت بر مدیران را تغییر دهد؛ زیرا گروه‌های مختلف مالکان از نظر اهداف، افق سرمایه‌گذاری، میزان تحمل ریسک و دسترسی به اطلاعات یکسان نیستند [16]. از این رو، ساختار مالکیت می‌تواند بر نحوه توزیع قدرت میان سهامداران و مدیران و در نهایت بر تصمیم‌های راهبردی شرکت اثرگذار باشد.

این موضوع در بانک‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بانک‌ها بخش عمده‌ای از منابع مورد استفاده خود را از سپرده‌گذاران و سایر اعتباردهندگان تأمین می‌کنند و تصمیم‌های آن‌ها می‌تواند پیامدهایی فراتر از منافع سهامداران داشته باشد. به همین دلیل، هویت صاحبان کنترل و نحوه توزیع مالکیت می‌تواند بر کیفیت نظارت، جهت‌گیری تصمیم‌های اعتباری و میزان ریسک‌پذیری بانک اثر بگذارد. به‌ویژه، حضور دولت و نهادهای عمومی در ساختار مالکیت بانک ممکن است اهدافی غیر از حداکثرسازی صرف منافع سهامداران را وارد فرایند تصمیم‌گیری کند؛ در مقابل، در بانک‌هایی با مالکیت خصوصی، انگیزه‌های اقتصادی و سازوکارهای نظارت بازار می‌تواند نقش پررنگ‌تری داشته باشد. بنابراین، تمایز میان مالکیت دولتی و خصوصی یکی از ابعاد مهم تحلیل ساختار مالکیت در صنعت بانکداری است.

بواتنگ و همکاران [37] نیز در بررسی بانک‌های تجاری چین نشان دادند که نوع مالکیت بانک با نحوه اثرگذاری ارتباطات سیاسی بر ریسک اعتباری مرتبط است. نتایج آنان نشان داد بانک‌های دولتی و خصوصی در برابر پیامدهای ارتباطات سیاسی رفتار یکسانی ندارند؛ به‌گونه‌ای که بانک‌های دولتی در نمونه مورد بررسی در برابر برخی آثار نامطلوب ارتباطات سیاسی آسیب‌پذیرتر بودند، درحالی‌که سازوکارهای نظارتی در بانک‌های خصوصی نقش موثرتری ایفا می‌کردند. این یافته نشان می‌دهد ساختار مالکیت را نمی‌توان مستقل از روابط سیاسی و سایر سازوکارهای حاکمیت شرکتی تحلیل کرد؛ زیرا ماهیت صاحبان کنترل می‌تواند نحوه توزیع قدرت و انگیزه‌های نظارتی را تغییر دهد.

شواهد جدیدتر نیز بر اهمیت هویت و ویژگی مالکان تأکید دارند. بلاردینی و همکاران [27] با تمرکز بر سهامداران کنترل‌کننده بانک‌ها نشان دادند که ویژگی‌ها و گرایش ریسک‌پذیری صاحبان کنترل با عملکرد، سطح سرمایه و ریسک بانک ارتباط دارد. به بیان دیگر، صرف تمرکز مالکیت برای توضیح رفتار بانک کافی نیست و باید به این موضوع نیز توجه کرد که کنترل بانک در اختیار چه گروهی از سهامداران قرار دارد. فام و همکاران [28] نیز نشان دادند رابطه ساختار مالکیت و ریسک اعتباری می‌تواند تحت تأثیر سازوکارهای کنترلی و نحوه توزیع قدرت در بانک قرار گیرد. این یافته‌ها بیانگر آن است که ساختار مالکیت بخشی از مجموعه گسترده‌تری از روابط میان مالکیت، کنترل، حاکمیت و ریسک در بانک است.

ارتباطات سیاسی نیز می‌تواند با این ساختار پیوند داشته باشد. در محیط‌هایی که دولت و نهادهای عمومی حضور قابل توجهی در مالکیت شرکت‌ها و بانک‌ها دارند، ارتباط سیاسی مدیران ممکن است با نحوه شکل‌گیری یا استمرار کنترل مالکان و میزان حضور گروه‌های مختلف سهامداران همراه باشد. همچنین، قدرت مدیرعامل می‌تواند بر رابطه میان مدیریت و صاحبان کنترل اثر بگذارد. مدیرعاملی که از اختیار و نفوذ سازمانی بیشتری برخوردار است ممکن است توان بیشتری برای اثرگذاری بر تصمیم‌های کلیدی، تعامل با سهامداران عمده و حفظ ائتلاف‌های حاکمیتی داشته باشد. در مقابل، حضور مالکان قدرتمند و سازوکارهای نظارتی موثر می‌تواند دامنه اختیار مدیریت را محدود کند. از این منظر، قدرت مدیریتی و ساختار مالکیت دو سازوکار جدا از یکدیگر نیستند، بلکه می‌توانند در چارچوب توزیع قدرت و کنترل در بانک با یکدیگر ارتباط داشته باشند.

در نظام بانکی ایران نیز حضور هم‌زمان دولت، نهادهای عمومی، سهامداران عمده و سرمایه‌گذاران خصوصی موجب شده است ساختار مالکیت برخی بانک‌ها از پیچیدگی بیشتری برخوردار باشد. در چنین محیطی، بررسی ساختار مالکیت صرفاً بر مبنای میزان تمرکز سهام نمی‌تواند تمام ابعاد حاکمیتی بانک را نشان دهد و توجه به هویت صاحبان سرمایه و روابط میان مالکیت، مدیریت و قدرت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. از سوی دیگر، شرایط ریسک اعتباری می‌تواند فشارهای مالی و نظارتی بانک را تغییر داده و بر رفتار صاحبان کنترل و مدیران اثر بگذارد. بر این اساس، در پژوهش حاضر ساختار مالکیت از منظر ترکیب مالکیت بانک مورد توجه قرار گرفته و رابطه آن با ارتباطات سیاسی و قدرت مدیرعامل بررسی می‌شود. همچنین، با توجه به نقش ریسک اعتباری در تغییر شرایط تصمیم‌گیری و کنترل در بانک، اثر تعاملی دو سنج ریسک اعتباری با ارتباطات سیاسی و قدرت مدیرعامل بر ساختار مالکیت مورد آزمون قرار می‌گیرد.

۴-۲- ریسک اعتباری

ریسک اعتباری از مهم‌ترین ریسک‌های فعالیت بانکی است و زمانی ایجاد می‌شود که تسهیلات‌گیرنده نتواند یا نخواهد تعهدات خود را مطابق شرایط قرارداد ایفا کند. افزایش این ریسک معمولاً با رشد مطالبات غیرجاری، افزایش هزینه‌های مربوط به زیان اعتباری و کاهش کیفیت دارایی‌های بانک همراه است. در صورت تداوم، این وضعیت می‌تواند سودآوری و نقدینگی بانک را تحت تأثیر قرار داده و توان آن را برای اعطای تسهیلات جدید محدود کند. در مطالعات بانکی، نسبت مطالبات غیرجاری و نسبت ذخیره زیان تسهیلات از جمله شاخص‌های رایج برای سنجش ریسک اعتباری

هستند؛ بواتنگ و همکاران [37] نیز در بررسی ریسک اعتباری بانک‌ها از دو سنجه نسبت مطالبات غیر جاری و نسبت ذخیره زیان تسهیلات استفاده کرده‌اند.

ریسک اعتباری تنها به ویژگی وام‌گیرندگان وابسته نیست و تصمیم‌های مدیریتی و سازوکارهای حاکمیتی بانک نیز در شکل‌گیری آن نقش دارند. نحوه تعیین استانداردهای اعتبارسنجی، تمرکز تسهیلات، میزان پذیرش ریسک و نحوه نظارت بر پرتفوی اعتباری می‌تواند تحت‌تاثیر انگیزه‌ها و قدرت مدیرعامل و سهامداران قرار گیرد. بواتنگ و همکاران [37] نشان دادند ارتباطات سیاسی مدیرعامل با افزایش ریسک اعتباری بانک‌های مورد بررسی ارتباط دارد و نوع مالکیت نیز می‌تواند شدت این رابطه را تغییر دهد؛ به‌گونه‌ای که بانک‌های دولتی در نمونه آن‌ها در برابر آثار ارتباطات سیاسی آسیب‌پذیرتر بوده‌اند.

قدرت مدیرعامل نیز می‌تواند در این زمینه موثر باشد. مدیرعامل قدرتمند، به دلیل نفوذ بیشتر بر فرایند تصمیم‌گیری، ممکن است آزادی عمل بیشتری در انتخاب سطح ریسک داشته باشد. آلتونباش و همکاران [46] با بررسی بانک‌های ایالات‌متحده نشان دادند بانک‌هایی که مدیرعامل قدرتمندتری دارند، به‌ویژه در شرایط ضعف نسبی ترازنامه، تمایل بیشتری به ریسک‌پذیری نشان می‌دهند. آن‌ها همچنین شواهد محدودی یافتند که اندازه و استقلال هیات‌مدیره بتواند این اثر را کاهش دهد. بنابراین، قدرت مدیرعامل و ریسک بانک را نمی‌توان مستقل از کیفیت حاکمیت و ساختار مالکیت بررسی کرد.

مطالعات جدید نیز این ارتباط را تایید می‌کنند، هرچند جهت اثر در همه محیط‌ها یکسان نیست. فام و همکاران [28] با بررسی ۲۸ بانک تجاری ویتنام طی دوره ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۳ نشان دادند اثر ساختار مالکیت بر ریسک اعتباری تحت‌تاثیر عوامل کنترلی و حاکمیتی قرار می‌گیرد؛ برای مثال، اثر کاهنده مالکیت خارجی بر ریسک اعتباری در حضور اعضای خارجی هیات‌مدیره تقویت می‌شود و اثر مثبت تمرکز مالکیت بر ریسک اعتباری در بانک‌های بورسی ضعیف‌تر است. ریاهی و لوکیل [47] نیز در بانک‌های تونس نشان دادند ارتباط سیاسی مدیرعامل با افزایش ریسک اعتباری همراه بوده، اما اصلاحات حاکمیت بانکی توانسته بخشی از این اثر را تعدیل کند.

در کنار سازوکارهای حاکمیتی، توسعه ابزارهای داده‌محور و فناوری‌های مالی نیز امکان ارزیابی و مدیریت دقیق‌تر ریسک‌های بانکی را افزایش داده است. یک مطالعه داخلی [48] در بررسی نوآوری‌های فین‌تک در بانکداری، بر ظرفیت تحلیل کلان‌داده، هوش مصنوعی و سایر فناوری‌های مالی برای تقویت مدیریت ریسک و بهبود تصمیم‌گیری بانکی تاکید کرده است. با این حال، کیفیت مدیریت ریسک همچنان به سازوکارهای نظارتی، کیفیت داده‌ها و نحوه اعمال اختیار توسط مدیران وابسته است.

بر این اساس، ریسک اعتباری در پژوهش حاضر صرفاً به‌عنوان یکی از پیامدهای فعالیت بانکی در نظر گرفته نمی‌شود. افزایش ریسک اعتباری می‌تواند فشارهای مالی و نظارتی بانک را تغییر دهد و از این مسیر، نحوه اعمال قدرت مدیرعامل و رفتار صاحبان کنترل را نیز تحت‌تاثیر قرار دهد. بر این اساس، پژوهش حاضر اثر تعاملی ریسک اعتباری با ارتباطات سیاسی و قدرت مدیرعامل را بر ساختار مالکیت بانک‌ها بررسی می‌کند.

۵-۲- پیشینه پژوهش

جی و همکاران [40] رابطه میان ارتباطات سیاسی مدیرعامل، ساختار مالکیت و رعایت الزامات نظارتی بانک‌ها را در چین بررسی کردند. نتایج نشان داد بانک‌هایی که مدیرعامل آن‌ها دارای ارتباطات سیاسی در سطح دولت است، کمتر با اختراها و اقدامات نظارتی مواجه می‌شوند؛ با این حال، این رابطه پس از اصلاحات ضدفساد سال ۲۰۱۳ تضعیف شده است. همچنین، تمرکز مالکیت و برخی ویژگی‌های هیات‌مدیره در شدت این رابطه نقش داشتند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد آثار ارتباطات سیاسی مدیرعامل به ساختار مالکیت و محیط نظارتی بانک وابسته است.

کاویانی و همکاران [49] با بررسی تسهیلات بانکی در ایالات‌متحده نشان دادند شرکت‌های دارای ارتباط با اعضای کنگره، شرایط اعتباری مطلوب‌تری دریافت می‌کنند، بدون آن‌که این مزیت با بهبود متناظری در عملکرد یا کاهش ریسک نکول آن‌ها همراه باشد. این رفتار در بانک‌هایی که خود با مشکلات نظارتی مواجه بودند قوی‌تر بود. نتایج همچنین نشان داد چنین بانک‌هایی در ادامه از برخی مزایای نظارتی، مانند جریمه‌های

کمتر و تسهیل فرایند ادغام و تملک، برخوردار می‌شوند. این یافته‌ها نشان می‌دهد ارتباطات سیاسی می‌تواند بر نحوه تخصیص اعتبار بانک اثرگذار باشد.

ریاحی و لوکیل [47] تاثیر ارتباطات سیاسی مدیرعامل بر عملکرد و ریسک اعتباری بانک‌های تونس را طی دوره ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۳ بررسی کردند. نتایج نشان داد ارتباطات سیاسی مدیرعامل با کاهش سودآوری و افزایش ریسک اعتباری همراه است؛ با این حال، اصلاحات حاکمیت بانکی بخشی از این آثار را محدود می‌کند. همچنین، مالکیت دولتی با سطح بالاتری از ریسک همراه بود. این پژوهش از آن جهت به مطالعه حاضر نزدیک است که ارتباطات سیاسی مدیرعامل، ساختار مالکیت و ریسک اعتباری را در کنار یکدیگر بررسی کرده است.

فام و همکاران [28] نیز با استفاده از اطلاعات ۲۸ بانک تجاری ویتنام طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۳، رابطه ساختار مالکیت و ریسک اعتباری را با تاکید بر سازوکارهای کنترل و قدرت بررسی کردند. نتایج نشان داد اثر ساختار مالکیت بر ریسک اعتباری به نحوه توزیع قدرت و سازوکارهای نظارتی بانک وابسته است؛ از جمله، حضور اعضای خارجی در هیات‌مدیره اثر کاهنده مالکیت خارجی بر ریسک اعتباری را تقویت می‌کند.

چگلوفسکی و همکاران [15] با بررسی بانک‌ها در بیش از ۱۰۰ کشور نشان دادند ایجاد ارتباطات سیاسی می‌تواند وام‌دهی بانک‌ها را افزایش دهد، اما این اثر در همه محیط‌های نهادی یکسان نیست. ارتباطات سیاسی در کشورهایی که آزادی رسانه، حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی محدودتر است، اثر بیشتری بر گسترش اعتبار دارد. در نتیجه، کیفیت محیط نهادی می‌تواند پیامدهای ارتباطات سیاسی بانک را تقویت یا محدود کند.

بلاردینی و همکاران [27] با تمرکز بر سهامداران کنترل‌کننده بانک، شاخصی برای اندازه‌گیری گرایش ریسک‌پذیری ساختار مالکیت ارایه کردند. نتایج نشان داد تمایل سهامداران کنترل‌کننده به پذیرش ریسک با سودآوری بالاتر، اما سرمایه کمتر بانک همراه است. یافته‌های این پژوهش بر این نکته تاکید دارد که برای تحلیل ریسک بانک، صرف میزان تمرکز مالکیت کافی نیست و ویژگی و انگیزه صاحبان کنترل نیز اهمیت دارد.

کشفی‌پور و همکاران [26] با بررسی ۳۳۶ بانک در ۴۸ کشور نشان دادند رابطه قدرت مدیرعامل و ریسک‌پذیری بانک تحت تاثیر ویژگی‌های فرهنگی و نهادی قرار دارد. نتایج آن‌ها بیانگر آن بود که آثار قدرت مدیرعامل حتی می‌تواند با تغییر شرایط فرهنگی، از نظر جهت و شدت متفاوت باشد. شابر و همکاران [42] نیز با بررسی ۵۷۴ بانک در ۱۹ کشور نشان دادند قدرت مدیرعامل و قدرت هیات‌مدیره می‌توانند نحوه اثرگذاری عدم اطمینان اقتصادی و ژئوپلیتیکی بر ریسک و ثبات بانک را تغییر دهند. در این پژوهش، دوگانگی مدیرعامل، دوره تصدی، مالکیت مدیرعامل و موسس بودن وی از جمله معیارهای قدرت مدیرعامل بودند.

ولالاگ و همکاران [39] رابطه ارتباطات سیاسی، نوع مالکیت و دسترسی شرکت‌ها به اعتبارات بانکی را بررسی کردند. نتایج نشان داد شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی احتمال بیشتری برای دسترسی به تسهیلات و برخورداری از شرایط اعتباری مطلوب‌تر دارند و نوع مالکیت نیز می‌تواند این رابطه را تغییر دهد.

فرناندز و همکاران [50] در مطالعه بانک‌های بورسی اروپایی نشان دادند اثر قدرت مدیرعامل و ویژگی‌های هیات‌مدیره بر ریسک‌پذیری بانک در دوره‌های عادی و بحران یکسان نیست. این یافته نشان می‌دهد آثار تمرکز قدرت در مدیریت، علاوه بر سازوکارهای درون‌سازمانی، از شرایط اقتصادی نیز تاثیر می‌پذیرد.

فنگ و همکاران [51] با بررسی بانک‌های چین نشان دادند ابعاد مختلف قدرت مدیرعامل آثار متفاوتی بر سودآوری و کیفیت وام‌دهی بانک دارند و قدرت هیات‌مدیره نیز می‌تواند برخی از این آثار را محدود کند. آلتونباش و همکاران [46] نیز نشان دادند بانک‌هایی که مدیرعامل قدرتمندتری دارند، به‌ویژه در شرایط ضعف نسبی ترازنامه، بیشتر در معرض ریسک قرار می‌گیرند و شواهد مربوط به نقش کاهنده اندازه و استقلال هیات‌مدیره در این رابطه محدود است.

در یکی از مطالعات نزدیک به موضوع پژوهش حاضر، بواتنگ و همکاران [37] ارتباط میان روابط سیاسی، ساختار مالکیت و ریسک اعتباری بانک‌های تجاری چین را بررسی کردند. نتایج نشان داد نوع مالکیت بانک می‌تواند رابطه میان ارتباطات سیاسی و ریسک اعتباری را تغییر دهد؛

به‌گونه‌ای که بانک‌های دولتی در برابر آثار نامطلوب ارتباطات سیاسی آسیب‌پذیرتر بودند، درحالی‌که مدیران مستقل در بانک‌های خصوصی نقش نظارتی موثرتری داشتند.

پیروز [52] با بررسی ۱۱۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲، رابطه میان مالکیت مدیریتی، استقلال هیات‌مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی را بررسی کرد. نتایج نشان داد مالکیت مدیریتی با حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی و معناداری دارد، درحالی‌که برای دوگانگی وظیفه مدیرعامل رابطه معناداری مشاهده نشد. این پژوهش از آن‌جهت با مطالعه حاضر ارتباط دارد که دو متغیر مالکیت مدیریتی و دوگانگی مدیرعامل را هم‌زمان در چارچوب حاکمیت شرکتی بررسی کرده است.

همت عبیری و همکاران [53] در پژوهشی با هدف طراحی مدل ارزیابی کیفیت مدیریت ریسک بانک‌ها، نقش مجموعه‌ای از ریسک‌های بانکی را بررسی کردند. نتایج نشان داد ریسک اعتباری در کنار ریسک نقدینگی و ریسک عملیاتی از عوامل دارای قدرت اثرگذاری بالا در وضعیت مالی بانک است. این یافته بر اهمیت ریسک اعتباری در ارزیابی سلامت و تصمیم‌های مدیریتی بانک‌ها تاکید دارد.

یاوری و همکاران [54] نیز با تمرکز بر مدیریت ریسک اعتباری، آسیب‌شناسی تضامین و وثایق تسهیلات بانکی را مورد بررسی قرار دادند و الگویی برای بهبود مدیریت این ریسک ارائه کردند. نتایج این پژوهش بر این نکته تاکید دارد که مدیریت ریسک اعتباری صرفاً به سنجش توان بازپرداخت مشتری محدود نیست و کیفیت فرایندهای کنترلی و نظارتی بانک نیز در آن نقش دارد.

حسینی هرنندی و همکاران [55] اثر معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته بر بهای تمام‌شده تسهیلات را با توجه به نقش تعدیل‌گر مالکیت دولتی بررسی کردند. یافته‌های آنان نشان داد نوع مالکیت می‌تواند آثار برخی تصمیم‌ها و روابط درون‌شرکتی را بر شرایط تامین مالی تغییر دهد. این نتیجه از منظر نقش ساختار مالکیت در پیامدهای مالی و اعتباری، با موضوع پژوهش حاضر مرتبط است.

کامران و تکبیری [56] نیز رابطه نقدشوندگی سهام و ریسک سقوط قیمت سهام را با تاکید بر نقش تعدیل‌گر مالکیت نهادی بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد ساختار مالکیت می‌تواند در شدت روابط مرتبط با ریسک شرکت نقش داشته باشد و از این حیث، مالکیت را نمی‌توان مستقل از شرایط ریسک تحلیل کرد.

آقایی و همکاران [57] اثر روابط سیاسی با دولت را بر رابطه میان قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کردند. نتایج نشان داد قدرت مدیرعامل با برخی شاخص‌های اهرم مالی رابطه مثبت و با اهرم بلندمدت رابطه منفی دارد. همچنین، در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، شدت برخی از این روابط کاهش می‌یابد. این پژوهش از نظر بررسی هم‌زمان قدرت مدیرعامل و ارتباطات سیاسی یکی از مطالعات داخلی نزدیک به موضوع حاضر است.

خواجوی و همکاران [43] نیز رابطه قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه را با تاکید بر نقش اندازه شرکت بررسی کردند. نتایج نشان داد رابطه قدرت مدیرعامل با برخی ابعاد ساختار سرمایه خطی نیست و اندازه شرکت نیز می‌تواند شکل این رابطه را تغییر دهد؛ نتیجه‌ای که نشان می‌دهد آثار قدرت مدیرعامل به شرایط و ویژگی‌های شرکت وابسته است.

وقفی و همکاران [58] در بررسی ساختار مالکیت و قدرت مدیرعامل نشان دادند مالکیت نهادی، دولتی، مدیریتی و شرکتی با قدرت مدیرعامل رابطه مستقیم و معناداری دارد. گلپور [45] نیز در بررسی بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران برای برخی سنجش‌های قدرت مدیرعامل اثر معناداری بر ریسک بانکی مشاهده نکرد و نقش تعدیل‌گر استقلال هیات‌مدیره نیز تایید نشد. این تفاوت در نتایج نشان می‌دهد رابطه میان قدرت، مالکیت و ریسک در محیط ایران نیز از الگوی ثابتی پیروی نمی‌کند.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-همبستگی و پس‌رویدادی است. داده‌های مورد نیاز پژوهش با استفاده از روش اسنادکاوی و از اطلاعات مالی و حاکمیتی بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران استخراج شده است. اطلاعات مورد نیاز از

بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اطلاعاتی مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی و گزارش‌ها و صورت‌های مالی منتشرشده بانک‌ها، حسب مورد، استخراج شد. قلمرو زمانی پژوهش دوره ۹ ساله ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳ را دربر می‌گیرد.

جامعه آماری پژوهش شامل بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. پس از اعمال محدودیت‌های پژوهش و بررسی قابلیت دسترسی به اطلاعات مورد نیاز، ۱۴ بانک در نمونه نهایی قرار گرفتند. با توجه به در دسترس بودن اطلاعات متغیرهای پژوهش، در نهایت ۱۱۹ مشاهده بانک-سال برای برآورد مدل‌ها مورد استفاده قرار گرفت. برای آزمون فرضیه‌ها نیز از رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر داده‌های تابلویی استفاده شده است. مدل‌های اصلی پژوهش مدل‌های (۱) تا (۳) با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته تابلویی برآورد شدند. با توجه به ماهیت پس‌رویدادی و غیرآزمایشی پژوهش، ضرایب برآورد شده در این مطالعه به‌عنوان شواهدی از وجود رابطه آماری میان متغیرها تفسیر می‌شوند و به‌تنهایی مبنایی برای استنباط رابطه علی یک‌طرفه فراهم نمی‌کنند.

۱-۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه ۱- بین ارتباطات سیاسی مدیرعامل و ساختار مالکیت بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲- بین قدرت ساختاری مدیرعامل و ساختار مالکیت بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۳- اثر تعاملی ریسک اعتباری با سنجه نسبت تسهیلات غیرجاری و ارتباطات سیاسی مدیرعامل بر ساختار مالکیت بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران معنادار است.

فرضیه ۴- اثر تعاملی ریسک اعتباری با سنجه نسبت ذخیره زیان تسهیلات و ارتباطات سیاسی مدیرعامل بر ساختار مالکیت بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران معنادار است.

فرضیه ۵- اثر تعاملی ریسک اعتباری با سنجه نسبت تسهیلات غیرجاری و قدرت ساختاری مدیرعامل بر ساختار مالکیت بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران معنادار است.

فرضیه ۶- اثر تعاملی ریسک اعتباری با سنجه نسبت ذخیره زیان تسهیلات و قدرت ساختاری مدیرعامل بر ساختار مالکیت بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران معنادار است.

۲-۳- مدل‌های پژوهش

برای فرضیه‌های ۱ و ۲:

$$OWN_{it} = \beta_0 + \beta_1 PC_{it} + \beta_2 CEOP_{it} + \beta_3 Deposit_{it} + \beta_4 ROE_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 NonPerform_{it} + \varepsilon \quad (1)$$

برای فرضیه‌های ۳ و ۴:

$$OWN_{it} = \beta_0 + \beta_1 (NPLR_{it} \times PC_{it}) + \beta_2 (LLPR_{it} \times PC_{it}) + \beta_3 Deposit_{it} + \beta_4 ROE_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 NonPerform_{it} + \varepsilon \quad (2)$$

برای فرضیه‌های ۵ و ۶:

$$OWN_{it} = \beta_0 + \beta_1 (NPLR_{it} \times CEOP_{it}) + \beta_2 (LLPR_{it} \times CEOP_{it}) + \beta_3 Deposit_{it} + \beta_4 ROE_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 NonPerform_{it} + \varepsilon \quad (3)$$

برای رعایت اصل سلسله‌مراتبی در تحلیل تعامل و تعیین مبنای نهایی استنباط درباره فرضیه‌های ۳ تا ۶، دو مشخصه سلسله‌مراتبی زیر نیز به‌عنوان تحلیل حساسیت تکمیلی بررسی شدند:

$$OWN_{it} = \beta_0 + \beta_1 PC_{it} + \beta_2 NPLR_{it} + \beta_3 LLPR_{it} + \beta_4 (NPLR_{it} \times PC_{it}) + \beta_5 (LLPR_{it} \times PC_{it}) + \beta_6 Deposit_{it} + \beta_7 ROE_{it} + \beta_8 Size_{it} + \beta_9 NonPerform_{it} + \varepsilon \quad (4)$$

$$OWN_{it} = \beta_0 + \beta_1 CEOP_{it} + \beta_2 NPLR_{it} + \beta_3 LLPR_{it} + \beta_4 (NPLR_{it} \times CEOP_{it}) + \beta_5 (LLPR_{it} \times CEOP_{it}) + \beta_6 Deposit_{it} + \beta_7 ROE_{it} + \beta_8 Size_{it} + \beta_9 NonPerform_{it} + \varepsilon \quad (5)$$

مدل‌های (۲) و (۳)، برآوردهای اولیه تعامل را بدون ورود هم‌زمان همه اثرات اصلی نشان می‌دهند. از آن‌جا که در تحلیل تعامل رعایت اصل سلسله‌مراتبی ضروری است، مدل‌های (۴) و (۵) با ورود هم‌زمان اثرات اصلی اجزای تعامل به‌عنوان مشخصات کامل‌تر و مبنای جمع‌بندی نهایی فرضیه‌های ۳ تا ۶ در نظر گرفته می‌شوند. بنابراین، معناداری ضرایب تعاملی در مدل‌های (۲) و (۳) به‌تنهایی به‌معنای حمایت نهایی از فرضیه‌های تعاملی نیست.

۳-۳- تعریف عملیاتی متغیرها

متغیر وابسته: ساختار مالکیت^۱: با توجه به چندبعدی بودن مفهوم ساختار مالکیت، متغیر OWN_{it} در پژوهش حاضر صرفاً بعد «ترکیب مالکیت حاضر در ساختار مدیریتی بانک» را منعکس می‌کند و سنجه جامعی از همه ابعاد مالکیت نیست. مطابق تعریف عملیاتی داده‌های مبنای پژوهش، این شاخص به‌صورت نسبت سهام یا سرمایه متعلق به نمایندگان دولت و سرمایه‌گذاران خصوصی حاضر در ساختار مدیریتی بانک به کل سرمایه بانک در پایان سال اندازه‌گیری می‌شود. رابطه محاسبه شاخص به‌صورت زیر است:

$$OWN_{it} = (it_کل\ سرمایه\ بانک) \div (it_سهام/سرمایه\ متعلق\ به\ نمایندگان\ دولت\ و\ سرمایه\ گذاران\ خصوصی\ حاضر\ در\ ساختار\ مدیریتی\ بانک)$$

این متغیر یک نسبت پیوسته بین صفر و یک است و مقدار بالاتر آن نشان‌دهنده سهم بیشتر این گروه از سرمایه بانک است. اطلاعات مورد نیاز از ترکیب سهامداران و اطلاعات حاکمیتی منتشرشده بانک استخراج می‌شود. بنابراین، در تفسیر نتایج، OWN_{it} به‌عنوان یک بعد مشخص از ترکیب مالکیت بانک و نه نماینده همه ابعاد ساختار مالکیت، در نظر گرفته می‌شود.

متغیرهای مستقل:

۱. ارتباطات سیاسی^۲ مدیرعامل: این متغیر به‌صورت مجازی اندازه‌گیری می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در صورت احراز سابقه یا سمت رسمی سیاسی یا دولتی برای مدیرعامل، مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر در نظر گرفته می‌شود. معیار کدگذاری صرفاً سمت‌های رسمی و قابل احراز است؛ از جمله تصدی سمت در دولت یا وزارتخانه‌ها، نمایندگی مجلس، استانداری یا مدیریت ارشد دستگاه‌های اجرایی دولتی. صرف برداشت از نزدیکی شخصی، ارتباط غیررسمی یا آشنایی با مقامات سیاسی مبنای کدگذاری قرار نمی‌گیرد. احراز این سوابق بر مبنای اطلاعات رسمی و قابل استناد مربوط به سوابق مدیریتی انجام می‌شود. این شیوه سنجش با رویکرد مطالعات پیشین در شناسایی ارتباطات سیاسی مدیران، از جمله هانگ و همکاران [13] و فان و همکاران [8]، سازگار است.

۲. قدرت ساختاری مدیرعامل^۳: مفهوم قدرت مدیرعامل ماهیتی چندبعدی دارد و می‌تواند از منابع ساختاری، مالکیتی، تخصصی و اعتباری ناشی شود [23]. با این حال، پژوهش حاضر به‌طور مشخص بعد ساختاری قدرت مدیرعامل را اندازه‌گیری می‌کند. برای این منظور، از دوگانگی سمت مدیرعامل و رییس هیات‌مدیره به‌عنوان شاخص تمرکز اختیار رسمی در سطح مدیریت ارشد استفاده شده است. در صورت هم‌زمانی سمت مدیرعامل و رییس هیات‌مدیره، متغیر قدرت ساختاری مدیرعامل مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد. انتخاب این شاخص از آن‌جهت است که تمرکز هم‌زمان نقش اجرایی و نظارتی می‌تواند استقلال هیات‌مدیره را کاهش داده و نفوذ ساختاری مدیرعامل بر فرایند تصمیم‌گیری و نظارت را افزایش دهد [23]، [33]. با وجود این، این شاخص تنها یکی از ابعاد قدرت مدیرعامل را منعکس می‌کند و ابعادی نظیر دوره تصدی، مالکیت مدیرعامل، تخصص و نفوذ حرفه‌ای را پوشش نمی‌دهد؛ از این‌رو، نتایج مربوط به قدرت مدیرعامل در این پژوهش باید به‌عنوان آثار قدرت ساختاری مدیرعامل تفسیر شود.

۳. سنجه‌های ریسک اعتباری: برای سنجش ریسک اعتباری از دو شاخص استفاده می‌شود:

¹ Ownership Structure (OWN)

² Political Connections (PC)

³ Chief Executive Officer Power (CEOP)

نسبت تسهیلات غیر جاری^۴ نسبت مانده تسهیلات غیر جاری بانک به حقوق صاحبان سهام بانک است. مقادیر بالاتر این نسبت نشان‌دهنده افزایش ریسک اعتباری بانک است [37].

نسبت ذخیره زیان تسهیلات^۵: نسبت ذخیره زیان تسهیلات به درآمد خالص بهره است [59].

متغیرهای کنترلی:

۱. نسبت سپرده (Deposit): نسبت مجموع سپرده‌های پایان دوره به جمع دارایی‌های بانک.
۲. بازده حقوق صاحبان سهام^۶: نسبت سود خالص بانک به حقوق صاحبان سهام بانک.
۳. اندازه بانک (Size): لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های بانک.
۴. نسبت تسهیلات غیر جاری به کل تسهیلات (NonPerform): نسبت مانده تسهیلات غیر جاری بانک به کل تسهیلات بانک است [60].

با وجود استفاده هر دو شاخص $NPLR$ و $NonPerform$ از مانده تسهیلات غیر جاری در صورت کسر، این دو متغیر از نظر مخرج و تفسیر اقتصادی یکسان نیستند. $NPLR$ در پژوهش حاضر میزان تسهیلات غیر جاری را نسبت به حقوق صاحبان سهام منعکس می‌کند و از این منظر بیانگر فشار ناشی از ریسک اعتباری در مقایسه با ظرفیت سرمایه‌ای بانک است؛ در حالی که $NonPerform$ نسبت تسهیلات غیر جاری به کل پرتفوی تسهیلات را اندازه‌گیری کرده و به عنوان شاخصی از کیفیت پرتفوی اعتباری در مدل کنترل می‌شود؛ بنابراین، ورود هم‌زمان آن‌ها با هدف تفکیک دو بعد متفاوت از وضعیت اعتباری بانک انجام شده است. با این حال، به دلیل استفاده از یک صورت مشترک، وجود درجه‌ای از هم‌پوشانی مفهومی میان دو شاخص پذیرفته می‌شود و ضرایب آن‌ها با توجه به حضور هم‌زمان شاخص دیگر در مدل تفسیر می‌شوند.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- یافته‌های توصیفی

جدول ۱، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱- آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش.

Table 1- Descriptive statistics of the research variables.

متغیرها	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
نسبت تسهیلات غیر جاری به حقوق صاحبان سهام (NPLR)	0.21	0.22	0.27	0.10	0.04
نسبت ذخیره زیان تسهیلات (LLPR)	0.03	0.02	0.11	-0.05	0.05
ساختار مالکیت (OWN)	0.24	0.25	0.83	0.04	0.17
به کل تسهیلات نسبت تسهیلات غیر جاری (NonPerform)	0.04	0.04	0.17	0.00	0.07
نسبت سپرده (Deposit)	0.22	0.21	0.71	0.03	0.13
اندازه بانک (Size)	4.14	4.29	5.70	2.25	0.98
بازده حقوق صاحبان سهام (ROE)	0.48	0.43	0.63	-0.21	0.33

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای کیفی (کدهای ۰ و ۱).

Table 2- Descriptive statistics of qualitative variables (codes 0 and 1).

متغیرهای کیفی	فراوانی کد ۱	فراوانی کد ۰	درصد فراوانی کد ۱	درصد فراوانی کد ۰
ارتباطات سیاسی مدیرعامل (PC)	74	45	62.2 %	37.8 %
قدرت ساختاری مدیرعامل (CEOP)	12	107	10.1 %	89.9 %

^۴ Non-Performing Loan Ratio (NPLR)

^۵ Loan Loss Provision Ratio (LLPR)

^۶ Return on Equity (ROE)

از آن‌جا که متغیرهای ارتباطات سیاسی مدیرعامل و قدرت ساختاری مدیرعامل به‌صورت مجازی و با مقادیر صفر و یک تعریف شده‌اند، توزیع آن‌ها بر اساس فراوانی و درصد فراوانی گزارش می‌شود. از مجموع ۱۱۹ مشاهده بانک-سال مربوط به ۱۴ بانک، در ۷۴ مشاهده (۶۲/۲٪) مدیرعامل دارای سابقه یا سمت رسمی سیاسی یا دولتی بوده و متغیر ارتباطات سیاسی مقدار یک گرفته است؛ در ۴۵ مشاهده دیگر (۳۷/۸٪) این وضعیت مشاهده نشده و مقدار صفر به آن اختصاص یافته است. همچنین، در ۱۲ مشاهده بانک-سال (۱۰/۱٪)، مدیرعامل هم‌زمان رئیس هیأت‌مدیره بوده و متغیر قدرت ساختاری مدیرعامل مقدار یک گرفته است، درحالی‌که در ۱۰۷ مشاهده (۸۹/۹٪) دو سمت از یکدیگر تفکیک شده‌اند.

توزیع متغیر قدرت ساختاری مدیرعامل نامتوازن است؛ به‌گونه‌ای که تنها ۱۲ مشاهده بانک-سال در گروه دارای دوگانگی مدیرعامل و رئیس هیأت‌مدیره قرار دارند. این ویژگی داده‌ها در تفسیر ضرایب مربوط به قدرت ساختاری مدیرعامل، به‌ویژه جملات تعاملی آن با شاخص‌های ریسک اعتباری، مورد توجه قرار می‌گیرد. محدود بودن تعداد مشاهدات دارای کد یک می‌تواند آماری آزمون تعامل و دقت برآورد ضرایب این گروه را کاهش دهد و موجب حساسیت بیشتر نتایج شود. از این‌رو، نتایج مربوط به تعامل قدرت ساختاری مدیرعامل با ریسک اعتباری باید با احتیاط و در محدوده نمونه مورد بررسی تفسیر شود.

۲-۴- یافته‌های استنباطی

در برآوردهای اصلی پژوهش، از تحلیل رگرسیونی چندمتغیره مبتنی بر داده‌های تابلویی برای آزمون فرضیه‌ها و مدل‌های (۱) تا (۳) استفاده شده است.

۱-۲-۴- نتایج آزمون پایایی متغیرها

آزمون پایایی متغیرهای کمی پژوهش با استفاده از آزمون‌های لوین، لین و چو، ایم، پسران و شین، فیشر-دیکی-فولر تعمیم‌یافته و فیشر-فیلیپس-پرون انجام شد. نتایج نشان می‌دهد سطح معناداری آزمون‌ها برای متغیرهای کمی پژوهش کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین، فرض صفر مبنی بر وجود ریشه واحد در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و نتایج آزمون‌ها از پایایی متغیرهای مورد بررسی حمایت می‌کند. متغیرهای ارتباطات سیاسی و قدرت ساختاری مدیرعامل به دلیل ماهیت مجازی، در جدول آزمون‌های ریشه واحد گزارش نشده‌اند.

جدول ۳- نتایج برآورد پایایی متغیرها.
Table 3- Results of variable stationarity tests.

متغیرها	لوین، لین و چو	ایم پسران و شین	فیشر-دیکی-فولر تعمیم‌یافته	فیشر-فیلیپس-پرون
	آماره	معناداری	آماره	معناداری
نسبت تسهیلات غیر جاری به حقوق صاحبان سهام	-18.40	0.000	-6.79	0.000
نسبت ذخیره زیان تسهیلات ساختار مالکیت	-8.69	0.000	-3.15	0.000
نسبت تسهیلات غیر جاری به کل تسهیلات (NonPerform)	-7.06	0.000	-11.84	0.000
نسبت سپرده (Deposit)	-11.85	0.000	-2.99	0.000
اندازه بانک (Size)	-6.97	0.000	-12.85	0.000
بازده حقوق صاحبان سهام	-16.52	0.000	-30.65	0.000
	-7.90	0.000	-2.74	0.000

۴-۲-۲- تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها با استفاده از داده‌های تابلویی

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، سطح معناداری ۵٪ در نظر گرفته شده است. برای یکدست‌سازی گزارش آماری جدول‌های ۴ تا ۶، وضعیت معناداری ضرایب در سطح ۵٪ بر مبنای آماره‌های t گزارش شده تعیین می‌شود. نتیجه فرضیه‌های ۱ و ۲ بر اساس مدل اول گزارش می‌شود. مدل‌های (۲) و (۳) صرفاً برآوردهای اولیه و محدود تعامل‌ها هستند؛ برای فرضیه‌های ۳ تا ۶، نتیجه نهایی بر اساس مشخصات سلسله‌مراتبی مدل‌های (۴) و (۵) که اثرات اصلی اجزای تعامل را هم‌زمان وارد می‌کنند، تعیین می‌شود.

۴-۲-۲-۱- نتایج برآورد مدل (۱) پژوهش

نتایج برآورد مدل اول در جدول ۴ ارائه شده است. ضریب تعیین تعدیل شده مدل برابر با ۰/۳۴۵۷ است؛ بنابراین، متغیرهای وارد شده در مدل حدود ۳۴/۵۷٪ از تغییرات شاخص ساختار مالکیت مورد بررسی را توضیح می‌دهند. مقدار آماره دوربین-واتسون برابر با ۱/۹۸ است که در این برآورد نشانه آشکاری از خودهمبستگی سریالی مرتبه اول ارائه نمی‌کند. همچنین، مقادیر VIF بین ۱/۰۱ و ۱/۲۳ قرار دارند و بیانگر نبود هم‌خطی چندگانه شدید بین متغیرهای توضیحی مدل هستند. با وجود هم‌پوشانی مفهومی ناشی از استفاده از مانده تسهیلات غیرجاری در صورت هر دو نسبت، ارزیابی هم‌خطی باید در مشخصاتی انجام شود که هر دو متغیر به‌طور هم‌زمان حضور دارند. در آزمون‌های حساسیت سلسله‌مراتبی گزارش شده در جدول‌های ۷ و ۸، مقادیر VIF مربوط به نسبت تسهیلات غیرجاری به حقوق صاحبان سهام و نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات پایین است و نشانه‌ای از هم‌خطی چندگانه شدید مشاهده نمی‌شود. با این حال، پایین بودن VIF به‌تنهایی نافی هم‌پوشانی مفهومی دو شاخص نیست و تفسیر ضرایب با توجه به تفاوت مخرج و کارکرد تحلیلی آن‌ها انجام می‌شود.

جدول ۴- نتایج برآورد مدل اول پژوهش.

Table 4- Estimation results of Model 1.

شرح	علامت اختصاری	ضرایب	آماره تی-استیودنت	وضعیت معناداری (سطح ۵٪)	VIF
عرض از مبدا	β	0.20	2.33	معنادار	
ارتباطات سیاسی مدیرعامل	PC	0.13	2.45	معنادار	1.01
قدرت ساختاری مدیرعامل	CEOP	0.10	3.11	معنادار	1.21
نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات	NonPerform	0.02	1.01	نامعنادار	1.05
نسبت سپرده	Deposit	0.07	5.82	معنادار	1.01
اندازه بانک	Size	0.07	2.35	معنادار	1.23
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	0.03	3.43	معنادار	1.01
ضریب تعیین تعدیل شده R^2			0.3457		
سطح آزمون فرضیه‌ها			5%		
دوربین واتسون			1.98		

فرضیه ۱- ضریب متغیر ارتباطات سیاسی مدیرعامل برابر با ۰/۱۳ و آماره t برابر با ۲/۴۵ است. با توجه به آماره t گزارش شده، این ضریب در سطح ۵٪ معنادار است. بنابراین، بین ارتباطات سیاسی مدیرعامل و شاخص ساختار مالکیت مورد بررسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و فرضیه ۱ پژوهش مورد حمایت قرار می‌گیرد. با ثابت بودن سایر متغیرهای مدل، وجود ارتباطات سیاسی مدیرعامل با سطح بالاتری از این شاخص مالکیت همراه است.

فرضیه ۲- ضریب متغیر قدرت ساختاری مدیرعامل برابر با ۰/۱۰ و آماره t برابر با ۳/۱۱ است. با توجه به آماره t گزارش شده، این ضریب در سطح ۵٪ معنادار است. بنابراین، بین قدرت ساختاری مدیرعامل و شاخص ساختار مالکیت مورد بررسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و فرضیه ۲ پژوهش مورد حمایت قرار می‌گیرد. با ثابت بودن سایر متغیرهای مدل، وجود دوگانگی سمت مدیرعامل و رییس هیات‌مدیره با سطح بالاتری از این شاخص مالکیت همراه است.

۲-۲-۴- نتایج برآورد مدل (۲) پژوهش

نتایج برآورد مدل (۲) در جدول ۵ ارائه شده است. ضریب تعیین تعدیل شده مدل برابر با ۰/۴۲۰ است؛ بنابراین، متغیرهای وارد شده در مدل حدود ۴۲٪ از تغییرات شاخص ساختار مالکیت مورد بررسی را توضیح می‌دهند. مقدار آماره دوربین-واتسون برابر با ۲/۰۲ است که در این برآورد نشانه آشکاری از خودهمبستگی سریالی مرتبه اول ارائه نمی‌کند. همچنین، مقادیر VIF بیانگر نبود هم‌خطی چندگانه شدید بین متغیرهای توضیحی مدل هستند.

جدول ۵- نتایج برآورد مدل دوم پژوهش.
Table 5- Estimation results of Model 2.

شرح	علامت اختصاری	ضرایب	آماره تی-استیودنت	وضعیت معناداری (سطح ۵٪)	VIF
عرض از مبدا	β	-0.03	-1.73	نامعنادار	
اثر تعاملی $NPLR \times PC$	$NPLR \times PC$	0.05	2.55	معنادار	1.20
اثر تعاملی $LLPR \times PC$	$LLPR \times PC$	0.04	3.65	معنادار	1.01
نسبت تسهیلات غیر جاری به کل تسهیلات	NonPerform	0.02	1.26	نامعنادار	1.01
نسبت سپرده	Deposit	0.07	4.11	معنادار	1.06
اندازه بانک	Size	0.08	2.24	معنادار	1.002
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	0.03	2.26	معنادار	1.14
ضریب تعیین تعدیل شده R^2			0.420		
سطح آزمون فرضیه‌ها			5%		
دوربین واتسون			2.02		

فرضیه ۳- در مدل (۲). ضریب اثر تعاملی نسبت تسهیلات غیر جاری به حقوق صاحبان سهام و ارتباطات سیاسی مدیرعامل $NPLR \times PC$ برابر با ۰/۰۵ و آماره t برابر با ۲/۵۵ است و در این مشخصات اولیه از نظر آماری معنادار گزارش می‌شود. با این حال، مدل (۲) اثرات اصلی اجزای تعامل را هم‌زمان در برنمی‌گیرد؛ بنابراین، این نتیجه به‌تنهایی مبنای تصمیم‌گیری در باره **فرضیه ۳** نیست و نتیجه نهایی بر اساس مشخصات سلسله‌مراتبی بخش «مشخصات سلسله‌مراتبی و جمع‌بندی نهایی فرضیه‌های تعاملی» تعیین می‌شود.

فرضیه ۴- در مدل (۲). ضریب اثر تعاملی نسبت ذخیره زیان تسهیلات و ارتباطات سیاسی مدیرعامل $LLPR \times PC$ برابر با ۰/۰۴ و آماره t برابر با ۳/۶۵ است و در این مشخصات اولیه از نظر آماری معنادار گزارش می‌شود. با این حال، مدل (۲) اثرات اصلی اجزای تعامل را هم‌زمان در برنمی‌گیرد؛ بنابراین، این نتیجه به‌تنهایی مبنای تصمیم‌گیری در باره **فرضیه ۴** نیست و نتیجه نهایی بر اساس مشخصات سلسله‌مراتبی بخش «مشخصات سلسله‌مراتبی و جمع‌بندی نهایی فرضیه‌های تعاملی» تعیین می‌شود.

۲-۲-۳-۴- نتایج برآورد مدل (۳) پژوهش

نتایج برآورد مدل (۳) در جدول ۶ ارائه شده است. ضریب تعیین تعدیل شده مدل برابر با ۰/۴۷۶ است؛ بنابراین، متغیرهای وارد شده در مدل حدود ۴۷/۶٪ از تغییرات شاخص ساختار مالکیت مورد بررسی را توضیح می‌دهند. مقدار آماره دوربین-واتسون برابر با ۲/۰۰۶ است که در این برآورد نشانه آشکاری از خودهمبستگی سریالی مرتبه اول ارائه نمی‌کند. همچنین، مقادیر VIF بیانگر نبود هم‌خطی چندگانه شدید بین متغیرهای توضیحی مدل هستند.

جدول ۶- نتایج برآورد مدل سوم پژوهش.
Table 6- Estimation results of Model 3.

شرح	علامت اختصاری	ضرایب	آماره تی-استیودنت	وضعیت معناداری (سطح ۵٪)	VIF
عرض از مبدا	β	-0.04	-3.61	معنادار	
اثر تعاملی نسبت تسهیلات غیر جاری به حقوق صاحبان سهام و قدرت ساختاری مدیرعامل	$NPLR \times CEOP$	0.07	2.68	معنادار	1.20
اثر تعاملی نسبت ذخیره زیان تسهیلات و قدرت ساختاری مدیرعامل	$LLPR \times CEOP$	0.05	2.60	معنادار	1.01
نسبت تسهیلات غیر جاری به کل تسهیلات	NonPerform	0.04	1.85	نامعنادار	1.01
نسبت سپرده	Deposit	0.06	3.54	معنادار	1.06
اندازه بانک	Size	0.08	4.36	معنادار	1.00
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	0.03	3.37	معنادار	1.14
ضریب تعیین تعدیل شده R2			0.476		
سطح آزمون فرضیه‌ها			5%		
دوربین واتسون			2.006		

فرضیه ۵- در مدل (۳)، ضریب اثر تعاملی نسبت تسهیلات غیر جاری به حقوق صاحبان سهام و قدرت ساختاری مدیرعامل $NPLR \times CEOP$ برابر با ۰/۰۷ و آماره t برابر با ۲/۶۸ است و در این مشخصات اولیه از نظر آماری معنادار گزارش می‌شود. با این حال، مدل (۳) اثرات اصلی اجزای تعامل را هم‌زمان در برنمی‌گیرد؛ بنابراین، این نتیجه به‌تنهایی مبنای تصمیم نهایی درباره **فرضیه ۵** نیست و نتیجه نهایی بر اساس مشخصات سلسله‌مراتبی بخش «مشخصات سلسله‌مراتبی و جمع‌بندی نهایی فرضیه‌های تعاملی» تعیین می‌شود.

فرضیه ۶- در مدل (۳)، ضریب اثر تعاملی نسبت ذخیره زیان تسهیلات و قدرت ساختاری مدیرعامل $LLPR \times CEOP$ برابر با ۰/۰۵ و آماره t برابر با ۲/۶۰ است و در این مشخصات اولیه از نظر آماری معنادار گزارش می‌شود. با این حال، مدل (۳) اثرات اصلی اجزای تعامل را هم‌زمان در برنمی‌گیرد؛ بنابراین، این نتیجه به‌تنهایی مبنای تصمیم نهایی درباره **فرضیه ۶** نیست و نتیجه نهایی بر اساس مشخصات سلسله‌مراتبی بخش «مشخصات سلسله‌مراتبی و جمع‌بندی نهایی فرضیه‌های تعاملی» تعیین می‌شود.

با وجود معناداری آماری ضرایب تعاملی در **مدل (۳)**، این مدل یک مشخصات اولیه و محدود است و نتیجه آن باید با توجه به مشخصات سلسله‌مراتبی تفسیر شود. افزون بر این، تنها ۱۲ مشاهده بانک-سال در گروه دارای دوگانگی سمت قرار دارند و این عدم توازن می‌تواند دقت برآوردهای مربوط به قدرت ساختاری مدیرعامل را کاهش دهد.

۳-۲-۴- مشخصات سلسله‌مراتبی و جمع‌بندی نهایی فرضیه‌های تعاملی

با توجه به ضرورت حضور هم‌زمان اثرات اصلی در تحلیل تعامل، دو مشخصه سلسله‌مراتبی کامل بررسی شدند. در این مشخصات، اثر اصلی متغیر مدیریتی، هر دو سنج ریسک اعتباری و جملات تعاملی به‌طور هم‌زمان وارد مدل شدند. نتایج **جدول‌های ۷ و ۸** مبنای جمع‌بندی نهایی **فرضیه‌های ۳ تا ۶** است و **مدل‌های (۲) و (۳)** صرفاً برای مقایسه با این مشخصات گزارش می‌شوند. همچنین، ضرایب اصلی PC و $CEOP$ در

مدل‌های تعاملی، آثار شرطی آن‌ها در مقادیر صفر سنج‌های ریسک اعتباری را نشان می‌دهند و به‌منزله بازآزمون فرضیه‌های ۱ و ۲ نیستند؛ نتیجه فرضیه‌های ۱ و ۲ بر اساس مدل اول گزارش می‌شود.

جدول ۷- نتایج برآورد مدل چهارم پژوهش: آزمون حساسیت سلسله‌مراتبی تعامل ریسک اعتباری و ارتباطات سیاسی مدیرعامل.

Table 7- Estimation results of Model 4: Hierarchical sensitivity analysis of the interaction between credit risk and CEO political connections.

شرح	علامت اختصاری	ضرایب	آماره تی-استیودنت	سطح معناداری	VIF
عرض از مبدا	β	0.087	0.80	0.427	—
ارتباطات سیاسی مدیرعامل	PC	0.014	0.42	0.673	1.05
نسبت تسهیلات غیرجاری به حقوق صاحبان سهام	NPLR	0.421	1.04	0.299	1.05
نسبت ذخیره زیان تسهیلات	LLPR	0.262	0.82	0.415	1.04
اثر تعاملی $NPLR \times PC$	$NPLR \times PC$	0.052	0.36	0.723	1.05
اثر تعاملی $LLPR \times PC$	$LLPR \times PC$	0.201	0.49	0.624	1.09
نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات	NonPerform	0.175	0.77	0.444	1.03
نسبت سپرده	Deposit	-0.024	-0.19	0.847	1.09
اندازه بانک	Size	-0.002	-0.10	0.922	1.09
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	0.094	1.90	0.060	1.08
ضریب تعیین R^2			0.069		
ضریب تعیین تعدیل‌شده			-0.008		
F رگرسیون (سطح معناداری)			0.895 (0.533)		

در این مشخصات، پس از ورود هم‌زمان PC ، $NPLR$ و $LLPR$ ، ضرایب $NPLR \times PC$ و $LLPR \times PC$ از نظر آماری معنادار نیستند (به ترتیب ۰/۷۲۳ و ۰/۶۲۴). بنابراین، معناداری مشاهده‌شده در مدل (۲) پس از ورود هم‌زمان اثرات اصلی حفظ نمی‌شود و بر مبنای مشخصات سلسله‌مراتبی، فرضیه‌های ۳ و ۴ در جمع‌بندی نهایی مورد حمایت قرار نمی‌گیرند. در نتیجه، شواهد مربوط به نقش تعدیل‌گر ریسک اعتباری در رابطه ارتباطات سیاسی و ساختار مالکیت نسبت به نحوه تصریح مدل حساس است.

جدول ۸- نتایج برآورد مدل پنجم پژوهش: آزمون حساسیت سلسله‌مراتبی تعامل ریسک اعتباری و قدرت ساختاری مدیرعامل.

Table 8- Estimation results of Model 5: Hierarchical sensitivity analysis of the interaction between credit risk and CEO structural power.

شرح	علامت اختصاری	ضرایب	آماره تی-استیودنت	سطح معناداری	VIF
عرض از مبدا	β	0.115	1.05	0.298	—
قدرت ساختاری مدیرعامل	CEOP	0.050	0.93	0.356	1.13
نسبت تسهیلات غیرجاری به حقوق صاحبان سهام	NPLR	0.471	1.16	0.250	1.11
نسبت ذخیره زیان تسهیلات	LLPR	0.165	0.51	0.608	1.08
اثر تعاملی $NPLR \times CEOP$	$NPLR \times CEOP$	0.174	0.96	0.340	1.12
اثر تعاملی $LLPR \times CEOP$	$LLPR \times CEOP$	0.815	1.49	0.140	1.13
نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات	NonPerform	0.070	0.31	0.760	1.08
نسبت سپرده	Deposit	-0.036	-0.29	0.774	1.13

جدول ۸- ادامه.

Table 8 – continued.

شرح	اختصاری علامت	ضرایب	تی-استیودنت آماره	معناداری سطح	VIF
اندازه بانک	Size	-0.010	-0.60	0.547	1.13
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	0.096	1.93	0.056	1.13
ضریب تعیین R^2		0.099			
ضریب تعیین تعدیل شده		0.024			
F رگرسیون (سطح معناداری)		(0.232)		1.326	

در مشخصات سلسله‌مراتبی مربوط به قدرت ساختاری مدیرعامل، ضرایب $NPLR \times CEOP$ و $LLPR \times CEOP$ پس از ورود هم‌زمان اثرات اصلی معنادار نیستند (به ترتیب ۰/۳۴۰ و ۰/۱۴۰). بنابراین، معناداری مشاهده‌شده در مدل (۳) در مشخصات سلسله‌مراتبی حفظ نمی‌شود و بر مبنای این مشخصات، فرضیه‌های ۵ و ۶ در جمع‌بندی نهایی مورد حمایت قرار نمی‌گیرند. این نتیجه، همراه با عدم توازن متغیر $CEOP$ ، ضرورت احتیاط در تفسیر اندازه و پایداری اثرهای تعاملی قدرت ساختاری مدیرعامل را تقویت می‌کند.

جمع‌بندی نهایی آزمون فرضیه‌ها چنین است: فرضیه‌های ۱ و ۲ بر اساس مدل اول مورد حمایت قرار می‌گیرند. برای فرضیه‌های ۳ تا ۶، ملاک نهایی مشخصات سلسله‌مراتبی است؛ در این مشخصات هیچ‌یک از چهار ضریب تعاملی از نظر آماری معنادار نیست. بنابراین، فرضیه‌های ۳ تا ۶ در جمع‌بندی نهایی مورد حمایت قرار نمی‌گیرند. معناداری مشاهده‌شده در مدل‌های (۲) و (۳) صرفاً به‌عنوان نتیجه‌ای حساس به نحوه تصریح مدل گزارش می‌شود و مبنای نتیجه نهایی نیست.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه ارتباطات سیاسی و قدرت ساختاری مدیرعامل با ساختار مالکیت بانک‌ها و همچنین بررسی اثر تعاملی ریسک اعتباری در این روابط بود. نتایج مدل (۱)، رابطه مثبت و معنادار ارتباطات سیاسی و قدرت ساختاری مدیرعامل با شاخص ساختار مالکیت مورد بررسی را نشان داد. برای فرضیه‌های تعاملی، مدل‌های (۲) و (۳) معناداری اولیه نشان دادند، اما مشخصات سلسله‌مراتبی این معناداری را تأیید نکردند. از این رو، در جمع‌بندی نهایی فرضیه‌های ۳ تا ۶ مورد حمایت قرار نمی‌گیرند و بخش تعاملی یافته‌ها به‌عنوان نتیجه‌ای حساس به نحوه تصریح مدل تفسیر می‌شود.

نتایج مربوط به فرضیه ۱ نشان داد بین ارتباطات سیاسی مدیرعامل و ساختار مالکیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. ضریب این متغیر برابر با ۰/۱۳ و آماره t برابر با ۲/۴۵ بوده و در سطح ۵٪ معنادار است. این نتیجه بیانگر آن است که وجود ارتباط سیاسی مدیرعامل با سطح بالاتری از شاخص ساختار مالکیت مورد بررسی در پژوهش همراه است. این یافته را می‌توان از منظر پیوند میان مالکیت و کنترل تبیین کرد. در محیط‌هایی که دولت، نهادهای عمومی و سایر صاحبان عمده سرمایه نقش قابل توجهی در ساختار مالکیت دارند، ارتباط سیاسی مدیران می‌تواند بخشی از شبکه گسترده‌تری از روابط مالکانه و کنترلی باشد. در چنین شرایطی، ارتباط سیاسی صرفاً یک ویژگی شخصی مدیرعامل نیست و ممکن است با نحوه توزیع کنترل و تعامل میان مدیران و صاحبان سرمایه ارتباط پیدا کند.

این نتیجه با جهت کلی شواهد بواتنگ و همکاران [37] سازگار است که نشان دادند بررسی آثار ارتباطات سیاسی در بانک‌ها بدون توجه به نوع مالکیت تصویر کاملی ارائه نمی‌کند. همچنین، جی و همکاران [40] نشان دادند آثار ارتباطات سیاسی مدیرعامل به تمرکز مالکیت و برخی ویژگی‌های هیات مدیره وابسته است و آویژن و همکاران [38] نیز بر نقش ساختار مالکیت در ارتباط میان ارتباطات سیاسی مدیرعامل و رفتار ریسکی بانک تأکید کرده‌اند. این مطالعات دقیقاً رابطه آزمون‌شده در پژوهش حاضر را بررسی نکرده‌اند، اما در مجموع بر این نکته تأکید دارند که ارتباط سیاسی و ساختار مالکیت در محیط بانکی باید در کنار یکدیگر تحلیل شوند.

در فرضیه ۲ نیز رابطه قدرت ساختاری مدیرعامل و ساختار مالکیت مثبت و معنادار به دست آمد. ضریب قدرت ساختاری مدیرعامل برابر با ۰/۱۰ و آماره t برابر با ۳/۱۱ بوده و در سطح ۵٪ معنادار است؛ بنابراین، در نمونه مورد بررسی، هم‌زمانی سمت مدیرعامل و رییس هیات مدیره با سطح بالاتری از شاخص ساختار مالکیت همراه بوده است. این یافته نشان می‌دهد تمرکز اختیار در بالاترین سطح مدیریت بانک می‌تواند با نحوه توزیع

مالکیت و کنترل ارتباط داشته باشد. دوگانگی مدیرعامل و رییس هیات‌مدیره، از یک سو قدرت رسمی مدیرعامل را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر می‌تواند استقلال نظارتی هیات‌مدیره را کاهش دهد. در چنین شرایطی، رابطه میان مدیریت و صاحبان کنترل نیز ممکن است شکل متفاوتی پیدا کند. نتیجه حاضر با دیدگاهی سازگار است که قدرت مدیرعامل را بخشی از معماری حاکمیت شرکتی می‌داند و نه صرفاً یک ویژگی فردی مدیر. مطالعات کشفی‌پور و همکاران [26]، شابر و همکاران [42] و فرناندز و همکاران [50] نیز نشان داده‌اند آثار قدرت مدیرعامل در بانک‌ها به شرایط حاکمیتی، نهادی و ویژگی‌های هیات‌مدیره وابسته است.

در مدل (۲)، جملات تعاملی مربوط به فرضیه‌های ۳ و ۴ مثبت و از نظر آماری معنادار گزارش شدند؛ اما این مدل اثرات اصلی اجزای تعامل را هم‌زمان وارد نمی‌کند. در مشخصات سلسله‌مراتبی، با ورود هم‌زمان ارتباطات سیاسی مدیرعامل، نسبت تسهیلات غیرجاری، نسبت ذخیره زیان تسهیلات و جملات تعاملی، معناداری تعامل‌ها حفظ نشد. بنابراین، بر مبنای مشخصات سلسله‌مراتبی، فرضیه‌های ۳ و ۴ در جمع‌بندی نهایی مورد حمایت قرار نمی‌گیرند.

از منظر حاکمیت بانکی، نتیجه قابل‌اتکا آن است که معناداری تعامل‌های ریسک اعتباری با ارتباطات سیاسی مدیرعامل نسبت به نحوه تصریح مدل حساس است. بنابراین، معناداری مشاهده‌شده در مدل (۲) به‌تنهایی برای استنباط یک سازوکار تعدیل‌گری کافی نیست و یافته‌ها صرفاً بر ضرورت بررسی هم‌زمان عوامل حاکمیتی و شرایط ریسک اعتباری تأکید دارند.

در مورد فرضیه‌های ۵ و ۶ نیز الگوی مشابهی مشاهده شد. در مدل (۳)، جملات تعاملی قدرت ساختاری مدیرعامل با نسبت تسهیلات غیرجاری و نسبت ذخیره زیان تسهیلات معنادار گزارش شدند، اما پس از ورود هم‌زمان اثر اصلی قدرت ساختاری مدیرعامل و دو سنجه ریسک اعتباری در مشخصات سلسله‌مراتبی، معناداری آن‌ها حفظ نشد. بنابراین، بر مبنای مشخصات سلسله‌مراتبی، فرضیه‌های ۵ و ۶ در جمع‌بندی نهایی مورد حمایت قرار نمی‌گیرند. این نتیجه با توجه به محدود بودن تعداد مشاهدات دارای دوگانگی سمت باید با احتیاط تفسیر شود.

در مجموع، نتیجه نهایی درباره فرضیه‌های تعاملی روشن است: هیچ‌یک از فرضیه‌های ۳ تا ۶ در مشخصات سلسله‌مراتبی مورد حمایت قرار نمی‌گیرد. معناداری تعامل‌ها در مدل‌های (۲) و (۳) صرفاً یک نتیجه وابسته به تصریح محدود آن مدل‌هاست و به‌عنوان شاهد یک اثر تعدیل‌گری پایدار تفسیر نمی‌شود.

در خصوص متغیرهای کنترلی نیز لازم است میان مدل‌های اولیه و مشخصات سلسله‌مراتبی تفکیک شود. در مدل‌های اولیه، نسبت سپرده، اندازه بانک و بازده حقوق صاحبان سهام با شاخص ساختار مالکیت رابطه مثبت و معناداری داشته‌اند و نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات معنادار نبوده است. با این حال، در مشخصات سلسله‌مراتبی، معناداری نسبت سپرده و اندازه بانک حفظ نشد و سطح معناداری بازده حقوق صاحبان سهام نیز در دو مدل به ترتیب ۰/۰۶۰ و ۰/۰۵۶، اندکی بالاتر از آستانه ۵٪ قرار گرفت؛ نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات نیز همچنان معنادار نبود. بنابراین، نتایج متغیرهای کنترلی نیز نسبت به مشخصات مدل حساس‌اند و نباید به‌عنوان یافته‌های پایدار مستقل تفسیر شوند.

برآیند یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در نمونه مورد بررسی، فرضیه‌های ۱ و ۲ بر اساس مدل اول مورد حمایت قرار می‌گیرند و ارتباطات سیاسی و قدرت ساختاری مدیرعامل با شاخص ساختار مالکیت رابطه مثبت و معناداری دارند. در مقابل، فرضیه‌های ۳ تا ۶ بر مبنای مشخصات سلسله‌مراتبی مورد حمایت قرار نمی‌گیرند. از این رو، شواهد این پژوهش از یک نقش تعدیل‌گری پایدار برای ریسک اعتباری حمایت نمی‌کند.

بر اساس یافته‌های پژوهش: ۱- پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی و سازمان بورس اوراق بهادار، ارزیابی ساختار مالکیت بانک‌ها را از یک بررسی صرفاً ثبتي و درصدی به ارزیابی «مالکیت و کنترل» توسعه دهند. در این چارچوب، علاوه بر درصد مالکیت سهامداران عمده، مالک نهایی، روابط میان سهامداران عمده، وابستگی‌های دولتی و عمومی، ارتباطات سیاسی مدیران و وجود دوگانگی مدیرعامل و رییس هیات‌مدیره به‌صورت یکپارچه مورد توجه قرار گیرد. تهیه یک «نقشه مالکیت و کنترل» سالانه برای بانک‌ها می‌تواند امکان شناسایی تمرکز واقعی قدرت را افزایش دهد.

۲- پیشنهاد می‌شود نهاد‌های ناظر در ارزیابی‌های حاکمیتی، وجود ارتباطات سیاسی رسمی مدیرعامل و دوگانگی سمت مدیرعامل و رییس هیات‌مدیره را به‌عنوان اطلاعات تکمیلی در کنار ساختار مالکیت مورد توجه قرار دهند. این پیشنهاد به معنای نامطلوب دانستن این ویژگی‌ها یا اثبات رابطه علی

نیست، بلکه بر مبنای روابط آماری مشاهده شده در مدل اول مطرح می شود. افشای شفاف سوابق مدیریتی، روابط با سهامداران عمده و تغییرات مهم در ترکیب مالکیت می تواند شفافیت حاکمیتی بانک را افزایش دهد.

۳- کمیته ریسک و کمیته حسابرسی بانک ها می توانند شاخص های ریسک اعتباری را در کنار شاخص های حاکمیتی پایش کنند. با توجه به اینکه آثار تعاملی ریسک اعتباری در مشخصات سلسله مراتبی پایدار نبود، افزایش ریسک اعتباری نباید به تنهایی به عنوان شاهد یک اثر تعدیل گری یا علت تغییرات حاکمیتی تلقی شود؛ بلکه می تواند صرفاً به عنوان یک علامت تکمیلی برای بررسی هم زمان ساختار مالکیت، تمرکز قدرت مدیریتی و کیفیت نظارت هیات مدیره مورد استفاده قرار گیرد.

۴- پیشنهاد می شود بانک ها برای پایش هم زمان متغیرهای حاکمیتی و ریسک، از یک داشبورد یکپارچه حاکمیت-ریسک استفاده کنند که ترکیب و تمرکز مالکیت، تغییرات سهامداران عمده، دوگانگی مدیرعامل، استقلال هیات مدیره، ارتباطات سیاسی مدیران و شاخص های اصلی ریسک اعتباری را در کنار یکدیگر نشان دهد. هدف چنین داشبوردی شناسایی هم زمانی تغییرات و حمایت از پایش مدیریتی است و نباید به عنوان اثبات رابطه علی یا تعدیل گری میان این متغیرها تفسیر شود.

۵- در انتصاب یا تمدید مأموریت مدیرعامل و اعضای هیات مدیره بانک ها، پیشنهاد می شود ساختار قدرت مدیریتی، ساختار مالکیت و وضعیت ریسک بانک به صورت توأمان در ارزیابی های حاکمیتی مورد توجه قرار گیرد. در بانک هایی که چند عامل حاکمیتی یا ریسکی به طور هم زمان برجسته اند، کفایت کنترل های جبرانی مانند استقلال اعضای غیر موظف، اثربخشی کمیته های تخصصی و مسیر گزارش دهی واحدهای کنترل داخلی می تواند به طور دقیق تر ارزیابی شود؛ بدون آنکه از نتایج این پژوهش رابطه علی میان این عوامل استنباط شود.

۶- یافته های پژوهش برای حسابرسی داخلی بانک ها نیز می تواند به عنوان مبنای طراحی حوزه های پایش مورد استفاده قرار گیرد. در برنامه های حسابرسی حاکمیت شرکتی می توان ساختار مالکیت، روابط سیاسی مدیریتی، تمرکز قدرت و ریسک اعتباری را در یک ماتریس ریسک مشترک مشاهده کرد تا هم زمانی این عوامل و حوزه های نیازمند بررسی بیشتر شناسایی شود. این رویکرد باید با توجه به حساسیت نتایج تعاملی به مشخصات مدل به کار گرفته شود و به معنای فرض رابطه علی میان قدرت، ریسک و ساختار مالکیت نیست.

نتایج پژوهش باید با توجه به محدودیت های آن تفسیر شود. سنجش قدرت مدیرعامل در پژوهش حاضر بر مبنای دوگانگی سمت مدیرعامل و رئیس هیات مدیره انجام شده است، در حالی که قدرت مدیرعامل مفهومی چندبعدی است و می تواند ابعادی نظیر دوره تصدی، مالکیت، تخصص و نفوذ حرفه ای را نیز دربرگیرد. از این رو، متغیر مورد استفاده در این پژوهش صرفاً قدرت ساختاری مدیرعامل را منعکس می کند و نتایج مربوط به آن نباید به سایر ابعاد قدرت مدیرعامل تعمیم داده شود. همچنین، ارتباط سیاسی به صورت متغیر مجازی اندازه گیری شده و شدت یا نوع ارتباط سیاسی در مدل تفکیک نشده است؛ بنابراین، پیشنهاد می شود پژوهش های آتی از شاخص های چندبعدی برای سنجش قدرت مدیرعامل و ارتباطات سیاسی استفاده کنند.

افزون بر این، توزیع متغیر قدرت ساختاری مدیرعامل در نمونه نامتوازن است و تنها ۱۲ مشاهده بانک سال دارای دوگانگی سمت مدیرعامل و رئیس هیات مدیره هستند. این عدم توازن می تواند توان آماری و دقت برآورد اثرات مربوط به قدرت ساختاری مدیرعامل، به ویژه اثرات تعاملی آن با شاخص های ریسک اعتباری، را محدود کند. از این رو، تفسیر اندازه و پایداری ضرایب مربوط به قدرت ساختاری مدیرعامل و تعمیم آن ها فراتر از نمونه حاضر باید با احتیاط انجام شود. بررسی مجدد این روابط در نمونه های بزرگتر و با تعداد بیشتری از مشاهدات دارای دوگانگی سمت می تواند به ارزیابی استحکام نتایج کمک کند.

از دیگر ملاحظات روش شناختی پژوهش، امکان وجود رابطه دوسویه میان برخی متغیرهای حاکمیتی و ساختار مالکیت است. اگرچه در مدل های پژوهش ارتباطات سیاسی و قدرت ساختاری مدیرعامل به عنوان متغیرهای توضیحی و ساختار مالکیت به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده اند، از منظر نظری این امکان وجود دارد که ویژگی های ساختار مالکیت نیز با انتخاب، انتصاب یا استمرار فعالیت مدیرعامل دارای ارتباطات سیاسی یا قدرت ساختاری بیشتر مرتبط باشد. بر این اساس، ضرایب برآورد شده در چارچوب روابط آماری میان متغیرها تفسیر می شوند و از آن ها جهت علی

یک‌طرفه استنباط نمی‌شود. بررسی دقیق‌تر جهت رابطه با استفاده از متغیرهای وقفه‌دار، ابزارهای مناسب یا روش‌های پانل پویا می‌تواند در پژوهش‌های آتی دنبال شود.

همچنین پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی، ابعاد مختلف ساختار مالکیت شامل مالکیت دولتی، نهادی، خصوصی، تمرکز مالکیت و مالک نهایی به‌صورت جداگانه بررسی شود تا مشخص شود روابط مشاهده‌شده در کدام نوع مالکیت قوی‌تر است. بررسی این روابط در شرایط مختلف ریسک نقدینگی، کفایت سرمایه و ریسک بازار نیز می‌تواند تصویر کامل‌تری از پیوند حاکمیت و ریسک در بانک‌ها ارائه کند. استفاده از روش‌های پویا و مدل‌هایی که امکان بررسی جهت علی روابط را فراهم می‌کنند نیز می‌تواند مسیر مناسبی برای توسعه نتایج پژوهش حاضر باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان از تمامی افراد موثر در انجام این پژوهش قدردانی می‌نمایند.

منابع مالی

این پژوهش بدون حمایت مالی انجام شده است.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع گزارش نشده است.

منابع

- [1] Ding, S., Jia, C., Wu, Z., & Zhang, X. (2014). Executive political connections and firm performance: Comparative evidence from privately controlled and state owned enterprises. *International Review of Financial Analysis*, 36, 153–167. <https://doi.org/10.1016/j.irfa.2013.12.006>
- [2] Faccio, M. (2010). Differences between politically connected and nonconnected firms: A cross country analysis. *Financial Management*, 39(3), 905–928. <https://doi.org/10.1111/j.1755-053X.2010.01099.x>
- [3] Khwaja, A. I., & Mian, A. (2005). Do lenders favor politically connected firms? Rent provision in an emerging financial market. *The Quarterly Journal of Economics*, 120(4), 1371–1411. <https://doi.org/10.1162/003355305775097524>
- [4] Fisman, R. (2001). Estimating the value of political connections. *American Economic Review*, 91(4), 1095–1102. <https://doi.org/10.1257/aer.91.4.1095>
- [5] Johnson, S., & Mitton, T. (2003). Cronyism and capital controls: Evidence from Malaysia. *Journal of Financial Economics*, 67(2), 351–382. [https://doi.org/10.1016/S0304-405X\(02\)00255-6](https://doi.org/10.1016/S0304-405X(02)00255-6)
- [6] Goldman, E., Rocholl, J., & So, J. (2009). Do politically connected boards affect firm value? *The Review of Financial Studies*, 22(6), 2331–2360. <https://doi.org/10.1093/rfs/hhn088>
- [7] Leuz, C., & Oberholzer Gee, F. (2006). Political relationships, global financing, and corporate transparency: Evidence from Indonesia. *Journal of Financial Economics*, 81(2), 411–439. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2005.06.006>
- [8] Fan, J. P. H., Wong, T. J., & Zhang, T. (2007). Politically connected CEOs, corporate governance, and Post IPO performance of China's newly partially privatized firms. *Journal of Financial Economics*, 84(2), 330–357. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2006.03.008>
- [9] Boubakri, N., Guedhami, O., Mishra, D., & Saffar, W. (2012). Political connections and the cost of equity capital. *Journal of Corporate Finance*, 18(3), 541–559. <https://doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2012.02.005>
- [10] Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1994). Politicians and firms. *The Quarterly Journal of Economics*, 109(4), 995–1025. <https://doi.org/10.2307/2118354>
- [11] Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1998). *The grabbing hand: Government pathologies and their cures*. <https://catalogue.nla.gov.au/catalog/378357>
- [12] Nys, E., Tarazi, A., & Trinugroho, I. (2015). Political connections, bank deposits, and formal deposit insurance. *Journal of Financial Stability*, 19, 83–104. <https://doi.org/10.1016/j.jfs.2015.01.004>
- [13] Hung, C. H. D., Jiang, Y., Liu, F. H., Tu, H., & Wang, S. (2017). Bank political connections and performance in China. *Journal of Financial Stability*, 32, 57–69. <https://doi.org/10.1016/j.jfs.2017.09.003>
- [14] Ghosh, S. (2023). Political connections and bank behaviour. *Economic Notes*, 52(1), e12209. <https://doi.org/10.1111/ecno.12209>
- [15] Cegłowski, B., Jackowicz, K., Kozłowski, Ł., & Kuchciak, I. (2025). Banks, freedom, and political connections: New evidence from around the world. *Journal of Financial Stability*, 76, 101353. <https://doi.org/10.1016/j.jfs.2024.101353>

- [16] Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305–360. [https://doi.org/10.1016/0304-405X\(76\)90026-X](https://doi.org/10.1016/0304-405X(76)90026-X)
- [17] Du, M., Boateng, A., & Newton, D. (2016). The impact of state ownership, formal institutions and resource seeking on acquirers' returns of Chinese M&A. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 47(1), 159–178. <https://doi.org/10.1007/s11156-015-0498-0>
- [18] Dharwadkar, R., George, G., & Brandes, P. (2000). Privatization in emerging economies: An agency theory perspective. *Academy of Management Review*, 25(3), 650–669. <https://doi.org/10.5465/amr.2000.3363533>
- [19] Choi, S. B., Park, B. Il, & Hong, P. (2012). Does ownership structure matter for firm technological innovation performance? The case of Korean firms. *Corporate Governance: An International Review*, 20(3), 267–288. <https://doi.org/10.1111/j.1467-8683.2012.00911.x>
- [20] Shi, H., Xu, H., & Zhang, X. (2018). Do politically connected independent directors create or destroy value? *Journal of Business Research*, 83, 82–96. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2017.10.009>
- [21] Zamanianfar, L., & Mahdyar Ismaili, M. R. (2023). Corporate governance and its role in performance improvement and reducing fraud in islamic banking. *Quarterly Journal of Islamic Finance Researches*, 12(3), 175–204. <https://doi.org/10.30497/ifr.2023.244149.1800>
- [22] Baker, T. A., Lopez, T. J., Reitenga, A. L., & Ruch, G. W. (2019). The influence of CEO and CFO power on accruals and real earnings management. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 52(1), 325–345. <https://doi.org/10.1007/s11156-018-0711-z>
- [23] Finkelstein, S. (1992). Power in Top Management Teams: Dimensions, Measurement, and Validation. *Academy of Management Journal*, 35(3), 505–538. <https://doi.org/10.5465/256485>
- [24] Frey, B. S., & Kucher, M. (1999). Managerial power and compensation. *University of Zurich, Working Paper*, (28). <https://www.econ.uzh.ch/apps/workingpapers/wp/iewwp028.pdf>
- [25] Chai, B. F., & Mirza, S. S. (2019). Political association, managerial power heterogeneity, and corporate risk taking in China. *Economic Research Ekonomika Istraživanja*, 32(1), 1373–1393. <https://doi.org/10.1080/1331677X.2019.1634613>
- [26] Pour, E. K., Uddin, M., Murinde, V., & Amini, S. (2023). CEO power, bank risk taking and national culture: International evidence. *Journal of Financial Stability*, 67, 101133. <https://doi.org/10.1016/j.jfs.2023.101133>
- [27] Bellardini, L., Murro, P., & Previtali, D. (2024). Measuring the risk appetite of bank controlling shareholders: The risk weighted ownership index. *Global Finance Journal*, 60, 100935. <https://doi.org/10.1016/j.gfj.2024.100935>
- [28] Pham, T. K. K., Le, T. T., Pham, D. T. B., & Nguyen, P. H. (2025). The Role of Control and Power in the Relationship Between Ownership Structure and Credit Risk: A Study from Vietnamese Banks. *Journal of Economics and Development*, 27(2), 129–143. <https://doi.org/10.1108/JED-09-2024-0322>
- [29] Deng, S., Elyasiani, E., & Jia, J. (2013). Institutional ownership, diversification, and riskiness of bank holding companies. *Financial Review*, 48(3), 385–415. <https://doi.org/10.1111/fire.12008>
- [30] Stulz, R. M. (2015). Risk taking and risk management by banks. *Journal of Applied Corporate Finance*, 27(1), 8. <https://doi.org/10.1111/jacf.12099>
- [31] Stulz, R. M. (2016). Risk management, governance, culture, and risk taking in banks. *Economic Policy Review, Issue Aug*, 22(1), 43–59. https://www.newyorkfed.org/research/epr/2016/epr_2016_risk-management-governance_stulz
- [32] Macey, J. R., & O'hara, M. (2003). The corporate governance of banks. *Economic Policy Review*, 9(1), 91–107. <https://www.newyorkfed.org/research/epr/03v09n1/0304mace.html>
- [33] Pathan, S. (2009). Strong boards, CEO power and bank risk taking. *Journal of Banking & Finance*, 33(7), 1340–1350. <https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2009.02.001>
- [34] Mazandarani, S., & Saeidi, P. (2018). The effect of political connections on financial performance and bank credit risk. *Research in Accounting and Economic Sciences*, 2(3), 15–28. <https://www.ensani.ir/file/download/article/1547012962-10157-4-8.pdf>
- [35] Zolfaghari, M., Vaez, S. A., & Khodamoradi, M. (2021). Presenting a model of the effect of political connections and corporate governance on bank performance during financial crises. *Financial economics*, 15(55), 191–215. <https://sanad.iau.ir/fa/Article/1063176?FullText=FullText>
- [36] Choy, H., Gul, F. A., & Yao, J. (2011). Does political economy reduce agency costs? Some evidence from dividend policies around the world. *Journal of Empirical Finance*, 18(1), 16–35. <https://doi.org/10.1016/j.jempfin.2010.10.001>
- [37] Boateng, A., Liu, Y., & Brahma, S. (2019). Politically connected boards, ownership structure and credit risk: Evidence from Chinese commercial banks. *Research in International Business and Finance*, 47, 162–173. <https://doi.org/10.1016/j.ribaf.2018.07.008>
- [38] Awijen, H., Ameur, H. Ben, Cheikh, N. Ben, & Zaied, Y. Ben. (2024). Politically connected CEOs and risk taking behaviour: Comparative evidence from private and foreign owned banks in China. *International Journal of Business Governance and Ethics*, 18(4–5), 522–553. <https://doi.org/10.1504/IJBGE.2024.139638>
- [39] Wellalage, N. H., Thrikawala, S., & Ghardallou, W. (2022). Political connections, family ownership and access to bank credit. *Finance Research Letters*, 50, 103347. <https://doi.org/10.1016/j.frl.2022.103347>
- [40] Ji, J., McGuinness, P. B., & Zhang, H. (2026). Chinese bank regulatory compliance and its connection with CEO political ties, ownership, and board gender. *Review of Quantitative Finance and Accounting*. <https://doi.org/10.1007/s11156-026-01536-3>
- [41] Khoshtinat, M., Zamanianfar, L., & Dehghan Nayeri, M. (2018). The relationship between financial indicators and CEO turnover. *Financial Accounting and Auditing Research*, 10(37), 107–130. <https://sanad.iau.ir/Journal/faar/Article/1073836>

- [42] Shabir, M., Jiang, P., Shahab, Y., & Wang, P. (2023). Geopolitical, economic uncertainty and bank risk: Do CEO power and board strength matter? *International Review of Financial Analysis*, 87, 102603. <https://doi.org/10.1016/j.irfa.2023.102603>
- [43] Khajavi, S., Jahandoust Marghoub, M., & Veysi Hesar, S. (2021). Investigating the relationship between CEO power and capital structure: Emphasizing the role of firms size. *Financial Research*, 23(1), 40–63. <https://doi.org/10.22059/frj.2020.301393.1007015>
- [44] Zeini, M., Maranjoodi, M., & Alikhani, R. (2020). The relationship between ceo power and corporate risk taking with emphasis on the moderating role of major shareholders. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/0c6510eb67fb0f8e954fb840707e00b7>
- [45] Ghorbani Golparvar, M. (2021). Investigating the effect of CEO power on banking risk with emphasis on the moderating role of board power. *Journal of Accounting and Management Vision*, 4(39), 97–115. https://www.jamv.ir/article_130244_e7d3cdde7415d0927eb7a93cc1e1fb08.pdf
- [46] Altunbaş, Y., Thornton, J., & Uymaz, Y. (2020). The effect of CEO power on bank risk: Do boards and institutional investors matter?. *Finance Research Letters*, 33, 101202. <https://doi.org/10.1016/j.frl.2019.05.020>
- [47] Riahi, S., & Loukil, N. (2025). The influence of politically connected CEOs on performance and credit risk: Evidence from post-revolution Tunisia's banking sector. *Review of Behavioral Finance*, 17(6), 1045–1063. <https://doi.org/10.1108/RBF-03-2025-0126>
- [48] Zamanianfar, L. (2025). FinTech innovations in banking: Opportunities and challenges in business financing and risk management. *Economics and Financial Policymaking*, 2(1), 1–15. <https://doi.org/10.61838/efp.13>
- [49] Kaviani, M., Maleki, H., & Savor, P. (2026). Reaching for influence: Do banks use loans to establish political connections? *Journal of Financial Economics*, 183, 104333. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2026.104333>
- [50] Fernandes, C., Farinha, J., Martins, F. V., & Mateus, C. (2021). The impact of board characteristics and CEO power on banks' risk taking: stable versus crisis periods: C. Fernandes et al. *Journal of Banking Regulation*, 22(4), 319–341. <https://doi.org/10.1057/s41261-021-00146-4>
- [51] Fang, H., Lee, J. S., Chung, C. P., Lee, Y. H., & Wang, W. H. (2020). Effect of CEO power and board strength on bank performance in China. *Journal of Asian Economics*, 69, 101215. <https://doi.org/10.1016/j.asieco.2020.101215>
- [52] Pirouz, F. (2025). CEO Characteristics and audit fees: Iranian capital market. *Strategic Studies in Financial Management and Insurance*, 2(1), 14–24. <https://doi.org/10.22105/ssfmi.v1i1.72>
- [53] Hemmat, A. E., Dastori, M., Moradpour, S. (2025). Designing a new model to assess the quality of bank risk management and analyze its role in reducing the cost of capital. *Accounting, Finance and Computational Intelligence*, 3(3), 1–24. <https://jafci.com/index.php/jafci/article/view/244>
- [54] Yavari, A., Jabbari, H., Panahian, H. (2025). Designing a credit risk management model with a focus on collateral and guarantees of bank loans. *Management*, 4(2), 1–22. <https://doi.org/10.61838/kman.jtesm.4.2.11>
- [55] Hosseini Harandi, S. M., Sadeghi, M., & Foroughi, M. (2025). The impact of abnormal related party transactions on the cost of financing: The moderating role of government ownership. *Accounting, Finance and Computational Intelligence*, 2(4), 31–47. <https://jafci.com/index.php/jafci/article/view/47>
- [56] Kamran, M., & Takbiri, S. (2025). The impact of stock liquidity on stock price crash risk: The moderating role of institutional ownership. *Financial Management Perspective*, 14(48), 100–118. <https://doi.org/10.48308/jfmp.2025.239908.1494>
- [57] Aghaei, M. A., Fateri, A., & Weysihsar, S. (2021). The effect of political connections with the government on the relationship between CEO power and capital structure in companies. *Journal of Accounting and Social Interests*, 11(3), 1–30. <https://doi.org/10.22051/jaasci.2021.31590.1592>
- [58] Vaghfi, H., Bashiri Manesh, N., Nourbakhsh, Z., & Ghaem Maralani, T. (2021). The effect of ownership structure on CEO power. *Behavioral Studies in Management*, 12(27), 12–24. <https://elmmnet.ir/doc/2418691-11858>
- [59] Liu, Y., Brahma, S., & Boateng, A. (2020). Impact of ownership structure and ownership concentration on credit risk of Chinese commercial banks. *International Journal of Managerial Finance*, 16(2), 253–272. <https://doi.org/10.1108/IJMF-03-2019-0094>
- [60] Zhao, Q. (2016). Do political connections affect bank loan loss provision reliability? *Accounting and Finance Research*, 5(3), 118. <https://doi.org/10.5430/afr.v5n3p118>